



در این شماره می‌خوانید:

- دانشجویان بازگشتشان پیوند می‌خورند.
- آیا (س-ج-ف-خ-ا) واقعاً با رویزیونسم مبارزه کرده‌است؟
- ترجمه‌ی آثار رویزیونیستی توسط سازمان چریکهای فدائیان خلق.
- زنده باد لتیسم! (قسمت سوم).
- جنبش خلق کرد چه درسهایی به ما می‌آموزد؟
- اخبار مبارزات دانشجویی.

سال اول، شماره ۴، نیمه‌دوره دیماه ۱۳۵۸، قیمت ۵۰ ریال



①



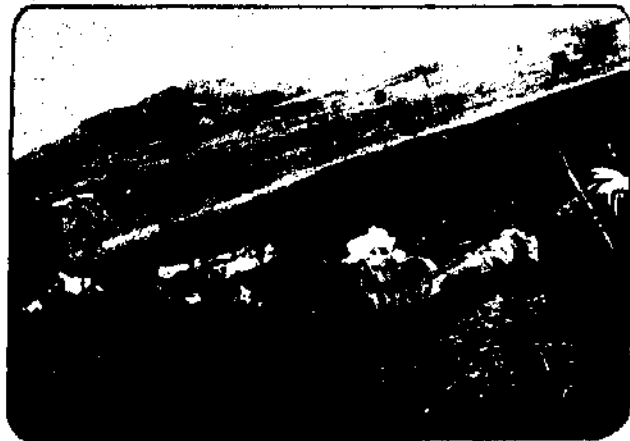
①



②



②



③



③

موت بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

تحریم انتخابات ریاست جمهوری دست بردی بر سینه سرمایه داری وابسته

تنگناهای خاص و نادر یا احق می توانند باور کنند که در اول پروتاریا می بایست سوسیال دموکراتی که در تحت فشار بورژوازی و بیرونی و داخلی می بود، اکثریت را بدست آورد و به قدرت دولتی را بدست گیرد. این نوع مفاهیم و بائیدای است. این بدان معناست که انتخابات با حفظ نظام کهنه اجتماعی و زیر قدرت دولتی کهنه جانشین مبارزه طبقاتی و انقلاب گردد. (لنین: "در دوره کمونیسمهای ایتالیا، فرانسه و آلمان") این خالصترین و بهت ترین پروتاریسم است که در گفتار انقلاب را بنیاد می کند و در عمل به آن پشت پا می زند. (لنین: دولت و انقلاب)

نه رهنمای سیاسی، لذا امپریالیسم و سرمایه داری وابسته در سازش با نهاد قابل سرمایه داری "ولایت فقیه" می کشد تا تریه "ولایت" سرمایه داران وابسته تبدیل سازد این تریه تنها شکل دیکتاتوری سرمایه داری وابسته را در نقطه می بیند.

و اینک در آخرین مرحله تکمیل و تزئین رهنمای سیاسی جدید برای نظام اقتصادی - اجتماعی کهنه، نهوت به انتخابات ریاست جمهوری رسیده است. تعیین مهره ای با نام رئیس جمهور در این امر نهی اجرائی جمهوری اسلام می که بتواند وحدت نهایی صفوف هیئت حاکمه را در جهت تثبیت سیاسی رژیم جامع عمل بیاورد.

این امر واقعیت آنکه در شرایط کنونی در درون هیئت حاکمه و میان "بالائی" های گذر و فریبنده - ترین تبلیغات نیز از جانب هیئت حاکمه برای تثبیت این ایده "پوچ" بوده و آنکه گویی اکنون تنها هستند که با شرکت در انتخابات "آزاد و موکراتیک" سرنوشت خود را برای مدت چهار سال تعیین می نمایند، نخواهد توانست پرده بر ماهیت واقعی این انتخابات که چیزی جز همان فریب همیشگی بورژوازی نیست بیاورد. زیرا در سیستم اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری وابسته و در شرایط حاکمیت رژیم ضد خلقی که بر ماشین دولتی بورژوازی سوار است و چه از محل به سمت وابستگی هر چه مستقیم تر به امپریالیسم پیوسته می نازد، عملکرد واقعی پارلمانارسم بهر انتخاب پارلمانارسم - کلا سیک بورژوازی و غیره است. لنین در این باره می گوید:

"ماهیت حقیقی پارلمانارسم بورژوازی نه تنها در رژیم های سلطنتی مشروطه - پارلمانی بلکه در موکراتیک ترین جمهوری ها نیز این است که در هر چند سال یکبار تصمیم گرفته می شود که امیک از اعضا طبقه حاکمه در پارلمان مردم را سر کوب و لگد مال کند. (مجموعه آثار - دولت و انقلاب ص ۳۳) تاکید از ما است."

لنین این حکم را در مورد "موکراتیک ترین جمهوری ها" بیان می کند که رئیس جمهور نقشی یکی از اعضا طبقه حاکمه را ایفا می نماید (مجموعه نقل قول اخیر). رئیس جمهور بعنوان یک فرد و جمعی - بورژوازی بعنوان یک سیستم، کدام تعیین کنند، اند فرد یا سیستم؟ این پرسش اگر یک عنصر از خلق بتواند از اعضای های بورژوازی بگذرد و در یک شرایط فرضی استثنایی و همچنین با فرض محال رعایت آزادی واقعی انتخابات از جانب بورژوازی حاکم (بعنوان یک طبقه) به مقام ریاست جمهوری برسد و با اصطلاح - ماشین دولتی در اختیار قرار گیرد (باز هم این فرض خوش بینانه که شخص رئیس جمهور ماشین دولتی را در اختیار خود می گیرد و نه طبقه حاکمه) -

این عنصر خواهد توانست نمایند "حکومت خلق باشد؟ پاسخ به این سؤال مربوط می شود به اینکه آیا در یک نظام ضد خلقی (چیزه سرمایه داری وابسته) که طبقات حاکمه قدرت سیاسی را در دست دارند و از طریق ماشین دولتی و ارگان های مرکب خاص خود پروتاریا را در یک نظام ضد خلقی را سرکوب می کنند، خلق چگونه می تواند قدرت واقعی را از دست بورژوازی خارج ساخته و بر این حکومت خلق با "تنگ" به ارگان مرکب طبقاتی خاص خود، طبقات متحرک مرکب نماید؟ از سر بر طبق آموزش های گرانمای مارکسیسم - لنینیسم دولت امپریالیسم مرکب طبقاتی حاکمه است، چه بورژوازی حاکم باشد و چه پروتاریا و اگر خلق حکومت کند از طریق دولت خلقی یعنی دیکتاتوری دموکراتیک خلق حکومت واقعی خود را می خواهد نمود. با چنین دیدگاهی است که مارکسیسم - لنینیسم به ما می آموزد هرگز نمی توان به صرف ماشین دولتی بورژوازی، حکومت خلق را برقرار ساخت. برای پیاده قدرت رحمت خلق، باید انقلاب اجتماعی خلقی صورت پذیرد و این نیز میسر نخواهد شد مگر با درهم شکستن و خرد کردن ماشین دولتی بورژوازی. این حکم تاریخی را لنین چنین بیان کرده است:

"در هیچ یک از کشورهای قسمت قاره اروپا در سال ۱۸۴۲ پروتاریا اکثریت خلق را تشکیل نمی داد. انقلاب "خلق" یعنی انقلابی که واقعیات را به جنبش جلب نماید، فذ و قش می توانست آن انقلابی باشد که هم پروتاریا و هم دهقانان را در بر گیرد. در آلمان این دو طبقه بودند که "خلق" را تشکیل می دادند. در طبقه نامبرده را این موضوع متحد می ساخت که هر دو این طبقه به این نتیجه رسیدند که در هر دو کشور یک نظام دولتی در معرض شکست قرار گرفته اند. خرد کردن این ماشین و درهم شکستن آن این است آنچه که مایه واقعی "خلق" است. مایه اکثریت آن یعنی کارگران و اکثریت دهقانان (و اضافه می کنیم و هم خرد بورژوازی شهری یعنی کل "خلق" را) را در بر دارد. (مجموعه آثار ص ۵۳-۵۴) دولت و انقلاب تاکید از لنین است بر سر این است:

بدین ترتیب لنین و دیگر مؤلفان بزرگ پروتاریا با صراحت تمام و با "تنگ" به کینه "تاریخی و سیاسی" که از آن زمان به بعد نیز مراتب کاملتر گردیده است، امکان رسیدن خلق به قدرت سیاسی واقعی را از طریق پارلمانارسم بورژوازی یعنی "صرف ماشین دولتی" کهنه، کاملاً منافی می دانند که تنها ممکن است "موکراتیک" خرد بورژوازی با جایگزینی "سازش طبقات" در مقابل "مبارزه طبقاتی" امکان آزاد رهایی خود مجسم سازند (نقل به معنی از دولت و انقلاب). حال در شرایط حساس کنونی و در حالی که انقلاب دموکراتیک خلقی ایران تا تمام نموده ماشین دولتی رژیم فلی و ترقی "تاجو کمال رژیم فعلی به ارت برده و آزاد رخد مت گرفته است، به خصوص حالیکه که حتی آن شرایط دموکراتیک برای انتخابات معمولی بورژوازی ضروری است و بورژوازی در چهار

پس از سقوط حکومت دست نهانده "بختی" بار و همکار فنی وی یعنی یازگان، این سمل گویا از بورژوازی لبرال با تحویل گرفتن ماشین دولتی به سه ارت رسیده از رژیم پهلوی، و انقلابی بورژوازی که در دولت بورژوازی خود را تشکیل داد و در کشور خلیت و غایت خرد بورژوازی برده شدنی برگرد "توده های توهم رده سوار شده به بازسازی کامل ستون فقرات نظام سرمایه داری وابسته (ماشین دولتی) پرداخت. ماشین دولتی که اگر چه در این نظام توده ها غریبه دیده بود اما همچنان پارتی مانده و ارگانهای اساسی آن یعنی "دستگاه دار و ارتش دائمی" مشابه ستون اصلی قدرت سیاسی بورژوازی وابسته تغییر نام یافته و بعنوان حاکم مایه "انقلاب" در مقابل غیر حرکت توده ای بکار گرفته شده است.

رهبری ما زنگار جنبش که مظلومان بورژوازی را به عنوان راهنمای کوره راه خود به سوی انوی جمهوری اسلامی برگزیده است، سرمایه بد نهاد بورژوازی و ان گشت را با یک حسی ارگانهای خود را بطور دست به زانده "نهادهای ضد خلقی بورژوازی تبدیل ساخته و تمام و کمال در خدمت بازسازی نظام سرمایه دار وابسته قرار گرفت بدین ترتیب قالب جمهوری انقلابی که باید رفراوند و مسخره باضآن توده های ملت به از قیام و متوهم رسیده بود پس از تارخ و ضعیف "خبرگان" جهالت و تصویب قانون اساسی کنونی در تطابق کامل با نظام وابسته "کنونی فراراده شد و اگر چه اصل بنیاد ارتجاعی ولایت فقیه، به ظاهر بصورت استخوانی لای زخم و بصورت مانع در مقابل انجام قوانین سرمایه داری وابسته در قانون اساسی خود نمایی می کند اما در واقع از آنجا که محتوای سیستم تعیین کننده نهایی خواهد بود

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

رسانیدند که با کتب اجازه از جانب امام و تشکیلات از وی که مثلاً امکان معرفی کاندید ارابه نیروهایس که به پوسته و قالب "جمهوری اسلامی" رای مثبت داده و مسلمان و شیعه اثنی عشری هم باشند و در نتیجه به نیروهای از قبیل معاهدین خلق بخشیده اند به معرفی کاندید برای انتخابات ریاست جمهوری - پرداختن هدیه در ترتیب آگاهان امکان را از دست دادند که با تحريم انقلابی، از میزان نفوذ نسبی که در میان بخشهایی از خلق دارند، در راه شکستن توهم توده ها استفاده نمایند، بلکه با نمایند بقدرت رسیدن خلق از طریق انتخابات، توهم آنها را بیشتر دامن زدند.

توهم بیشتر حتی نیروهای میانی خلق کرد نیز بدینال تها راه افتادند با توجیه "تقویت جنبه خلق" در مقابل ارتجاع، مهربانید بر انتخابات ریاست جمهوری رفتند و در نتیجه ملای نظام کونی را که به اعتراف بسیاری از آنها نیز عیون ضریبی که از توده ها خورده است، همان نظام سرمایه داری وابسته است، به رسمیت شناختند. در حالیکه از همان آغاز روشن بود که امکان ریاست جمهوری مسعود رجوی وجود نخواهد داشت و اصولاً تصور آن هم غرض خیالی محض و ناشی از عدم درک صحیح از توانمندیهای مبارزات طبقاتی بود. این مساله شخص را در پی بیشتر از یکم بر طبق قانون اساسی ارتجاعی صحنه خبرگان، تپیان که مجاهدین خلق نیز خود بر آن آگاهند و حتی از تابید

جواب آن حاکمیت خود را تضمین می کند، در می بیند مافراهم نیست (اگر فراهم بود هم تفاوتی در اصل مطلب نداشت) تا وظیفه انقلابیون و بهرزه کمونیستها چیست؟ مگر نه اینست که باید تا کنیکبایی اختان نمایند که به توده ها از طریق تجربه شخص خود نشان آگاهی بدهند؟ توهم آنها را - که اکنون تنها مانع پیشروی انقلاب است - بشکنند، ماهیت هیئت حاکمه ضد خلقی را در نزد آنها افشا سازند و حیلۀ - گوناگون بورژوازی را - و همدستان وی یعنی خرد میر - زواری مرفه سنتی را - حیلۀ های را که برای ایجاد



توهم و گماندن هر چه بیشتر بخشهای ناگاه خلق و حتی نیروهای سیاسی دموکرات خلق بدینال خودود بکاری کردند افشا و خشی سازند ۱۶۹ چنین تا کنیکسی به جز تحريم انقلابی انتخابات ریاست جمهوری و در نتیجه نفی امکان تصاحب قدرت سیاسی از بالا و از دروا

هیئت حاکمه ضد خلقی می تواند باشد؟ کمونیستها باید به توده ها بیاورند که امکان گذار مسالمت آمیز از یک نظام ضد خلقی و از یک نظام وابسته به یل نظام و حکومت خلقی مطاق وجود ندارد. اگر در یک دوره کوتاه در زمان حاکمیت قدرت دگانه پس از انقلاب مهره ۱۹۱۲ روسیه ... و یکپا تکامل مسالمت آمیز انقلاب را مطرح ساختند، اولاً آنها بر ماهیت استاگونیستی تعداد پرولتاریا بورژوازی تاکید داشتند و این تکامل مسالمت آمیز را در شکل و نه در محتوا منظور داشتند، ثانیاً و مهمتر از همه آنها این امکان را تنهیه این اعتبار ملین می کردند که نیروهای کارگران و دهقانان یعنی ارگانهای خای - حکومت این طبقات متکی بر نیروهای مسلح پرولتاریایی می توانستند بدون مانع و با قدرت معینی رشد نمایند و حکومت موقت بورژوازی امپریالیستی، آنچنان قدرتی نداشت که بتواند قدرت کارگران و دهقانان مسلح را درهم شکند و حکومت یگانه خود را برپا سازد. علاوه بر تمام اینها با هم این قدرت دگانه نمی توانست دوام بیاورد پرولتاریا برای کسب قدرت کامل سیاسی ناچار بود بالاخره با قیامنده های ماشین دولتی بورژوازی را و دستگاه بوروکراتیک - نظامی حکومت موقت را درهم شکند و در انقلاب اکثریتین نیز کرد.

اما بنیم در کشور ما، هیئت حاکمه تا چه حد توانست پس از برچهره زدن مساله دروغین ضد امپریالیستی، توهم توده ها و نیز بسیاری از نیروهای انقلابی سیاسی را افزایش دهد و ذهن آنها را از اساسی ترین موضوع یعنی لزوم درهم شکستن ماشین دولتی (ارتش ضد خلقی که امروز نام ارتش جمهوری اسلامی زینت یافته است، دستگاههای نظامی، ژاندارمری، مهربانی وارگان نوظهور سرمایه داران با ضافه ماشین بوروکراتیک دولت و ...) دور نگاه دارد در این رابطه نه تنها نیروهای دموکرات انقلابی، بلکه برخی از نیروهای که ادعای پیروی از مارکسیسم - لنینیسم و ادعای نمایندگیسی سیاسی پرولتاریا را نیز دارند به طره پارلمانتاریسم و فرمسم بورژوازی در غلطیدند. دموکراتهای انقلابی (عدالت - سازمان مجاهدین خلق) کار به آنجا



آن در فراموشی قانون اساسی خود داری کردند، رئیس جمهور تنها اکت دستي درجه دوم در دست طبقه حاکمه است در صورتیکه در اغلب دولت های بورژوازی مرسوم است که ریاست جمهوری در اس ارگانهای اجرایی قرار دارد و درجه پایین تر ازین حافظ نظام و حافظ منافع طبقات حاکم اختیاراتی نیز به وی تفویض می شود. حال چگونه مجاهدین خلق به کف گرفتن چنین پست مقامی را در سیستم سیاسی جمهوری اسلامی متکسی بر سرمایه داری وابسته، مطلق انقلابی جامی زنند و چگونه تعداد پرتامه متونی خود را که اگر خواهند جامه عمل بپوشانند تنها با سرگونی رژیم حاکم و درهم شکستن ماشین دولتی کونی یعنی از طریق انقلاب اجتماعی امکان پذیر است - با اختیارات قانونی (ریاست جمهوری و تأیید نظام سیاسی) نه حتی اقتصادی - اجتماعی (کونی اقتصادی بدهند) پس دیگر موقوف است به تضاد رنگ مکرانسم و لیبرالیسم که مجاهدین از قیام تاکنون آنها را در خود جمع دارند. اما استدلالی که مجاهدین خلق با ملحوظاتسی خواسته اند عمل سازشکارانه و فرمسمی خود را با آن بیاورند این است که "ما به هیئت موضعگیری بر مبنی امام خصنی امکان یافته ایم که مستقیماً در معرفی نظام و از برای مردمان قرار گیریم ... (مجاهد - شماره ۱۸) نهایت تفسیر تا کنیکسی که می رساند - همان توجیهی است که چریکهای فدایی خلق به گونه ای - خوش آب و رنگ تر به خدمت گرفته اند. رفقای فدائیس

در باره موضع خود در مقابل انتخابات ریاست جمهوری نوشته اند: "ما روزه ای که اکنون برای انتخابات ریاست جمهوری آغاز شده است، یکی از اشکال مشخص مبارزه طبقاتی است و مسلم است که کمونیست ها نمی توانند و نباید بدون توجه به وضعیت مبارزه طبقاتی، صنف بندی نیروها و بدون توجه به وظایف کمونیست ها در برابر آن، تنها به بهانه ارتجاعی بودن قانون اساسی در عرصه چنین مبارزه ای ناظرین طرف بدانند. با توجه به آنچه گفته شد ما در انتخاباتی با از یک کاندید یا در برابر دیگران پشتیبانی می کنیم یا کلاً - در انتخابات شرکت نخواهیم کرد." (کارشماره ۱) تأکید از ماست، بلی رفقا مبارزه کونی برای انتخابات ریاست جمهوری - یکی از اشکال مبارزه طبقاتی است (و این القای مارکسیسم است که هر حرکت اجتماعی نمودی از مبارزات طبقاتی است و شما چیز تازه ای نگفته اید.) اما این شکل مبارزه، مبارزه بین جناحهای مختلف هیئت حاکمه ضد خلقی و مسابقه آنها برای تصاحب سهم هر چه بیشتری از ثروت و چپاول خلق است نه مبارزه بین خلق ضد خلق! زیرا مبارزه این دو - مبارزه بین طبقات متضاد استی نباید بر مبارزه بین انقلاب و ضد انقلاب است نه مبارزه بین "بنی صدر" و "مدنی" ... رفقا نباید خلق را از مبارزات ضد - امپریالیستی و مبارزات طبقاتی خودشان در عرصه های کارخانه و مزرعه و خیابان ... از جنبش خائس در گردستان و ... به صحنه مبارزات بین جناحهای هیئت حاکمه کشانید

این کار چرک کشانیدن توده ها به صلیخ بورژوازی و در نهایت چیزی جز ریزش سیستم جز تبلیغ اثنی طبقات به جای مبارزات طبقاتی نیست و اگر به خود آمید در خواهد یافت که این فریب توده ها است. پذیرفتن تبلیغ است اما رفقا واقعیت دارد. شما نوشته اید کمونیست ها نباید تنها به بهانه "ارتجاعی بودن قانون اساسی" در عرصه چنین مبارزای (مبارزات انتخاباتی !!) بی طرف بدانند، ما هم می گویم نباید کمونیست ها نسبت به هیچ حرکتی در جامعه بی طرف بدانند زیرا همانطور که گفتیم هر حرکتی رنگ از مبارزات طبقاتی دارد. اما موضوع مهم این است که این موضعگیری و عدم انفعال را چگونه و از چه موضعی انجام دهند، از موضع توده ها و طبقه کارگر از موضع دموکراتهای خرده بورژوازی - متایل به پارلمانتاریسم و فرمسم ؟ بله کمونیستها به هیچوجه نباید نسبت به انتخابات ریاست جمهوری بی طرف بدانند بلکه باید فعلاً نه در تحريم انقلابی آن شرکت کنند، تمام جناحهای هیئت حاکمه ضد خلقی را در نزد توده ها افشا کنند، و علاوه بر اینها با نشان دادن و تبلیغ ایده های انقلابی پرولتاریا و شیوه های پرولتاریایی مبارزه یعنی انقلاب اجتماعی، دموکراتها را نیز از سقوط عیدام بورژوازی و طره پارلمانتاریسم و فرمسم بر حذر دارند و بدین صورت آنها را بدینال مواضع انقلابی خود بکشانند تا اینکه به بهانه حمایت از آنها، خود نیز پرولتاریا و پرتامه امپسن طبقه ریکمره بفرا موشتی میرود و سرمایه مد تپیان دموکراتهای متوهم روان گردند!

آری، کمونیستها نباید به بهانه "ارتجاعی بودن قانون اساسی" در عرصه چنین مبارزای بی طرف بدانند بلکه باید به بهانه ماهیت سیستم سرمایه داری وابسته به اعتبار ضد خلقی بودن رژیم، فعلاً نسمه را فشاگری وابستگی هیئت حاکمه در نزد توده ها شرکت کنند برای انقلاب اجتماعی تدارک بینند و خط



پلان بود و همزمان ترهات و ریونیونی امکان گذار مسالمت آمیز بهنگند.

زاجه ای که در کار شماره ۴، رفقای فدائی از آن به تکیه شرکت در انتخابات هشتیانی از مسعود رجوی میگیرند به توجیه کار شماره ۲۲ فرق دارد. قبسل از اینکه زاجه دوم یعنی شرکت برای افشاکری و بررسی کنیم آخرین مطلب را در مورد توجیه قرار دهیم. رفقا در انتهای این مقاله متذکر می شوند که از گاندیدایی حمایت خواهند کرد که برنامه مشخص برای ادامه مبارزه با امپریالیسم داشته باشند. بدنیال آن برنامه حداقل برپا شدن پارک تنها در جمهوری دموکراتیک خلق امکان پیاده شدن را خواهد داشت، مطرح می سازند و این برنامه را در پیش روی گاندیدای ریاست جمهوری آینده "جمهوری اسلامی" طهرقم همان قانون اساسی ارتجایی و... قرار می دهند. این کار به چه معنی است؟ آیا جز این است که در پشت آن ایده و توهم امکان گذار مسالمت آمیز خوابیده است؟ غیر از این است که رفقا از گاندیدای این یا چنین برنامه ای که احیاناً به قدرت نرسد انتظار ادامه مبارزه با امپریالیسم را دارند؟ پس پایه بودن این استدلال بقدر روشن است که حتی خود رفقا در کار شماره ۲۲ - برای برخورد به موضعگیری رویونیونیستهای خائن حزب توده - این نفل فول از لنین را می آورند که از نظر کمونیست ها "برنامه های احزاب (بوروکراسی) - غالباً فقط برای خام کردن مردم نوشته میشود" و - برای اینکه بتوان به ماهیت مبارزه حزبی (بخوان - مبارزه انتدلیاتی کونی) پی برد، نباید به گفتمان پاور داشت بلکه باید تاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود. این بررسی نباید بقدر حد و پیرامون آن چیزی



غریبون افشاکری هیئت حاکمه تبدیل سازند، اشتباه گرفته اند و انانیا افشاکری - رانیز نه افشاکری کسبل هیئت حاکمه بلکه فقط به افشای جناحهای لیسرال محدود می سازند. در مورد دوم که بحث ماروتسمن است و همانطور که در سرمقاله ۱۶ آذر شماره ۱۰ - دیگر مقالات بار بار گفته ایم کل هیئت حاکمه بعنوان یک سیستم واحد (طهرقم ترهات و پاشان) ضد خلق ارزیابی می کنیم و نه کل آن و نه بخشی از آن و نه امپریالیست نمیشد (به ضمیمه پیکار ۳ رجوع شود).

و اما در مورد اول، باید توجه داشت که شرکت کمونیست ها در انتخابات بورژوازی از نظر اصولی نادرست نیست و در موافقت می توان و باید در اینگونه انتخابات شرکت کرد اما صرفاً برای افشاکری و نه برای کسب قدرت سیاسی. ولی شرکت در انتخابات بورژوازی که تنها بمنظور تعیین مبره اجرایی برای پایداری ارسیم و تا "مین منافع طبقه حاکمه صورت می گیرد تنها بمعنای پذیرفتن قلاب بورژوازی و به رسمیت شناختن نظام موجود و گردن نهادن به راه گذار مسالمت آمیز است که در این باره باندازه کافی بحث کردیم.

برعکس، این شرکت در انتخابات پارلمان و قانونگذاری است که می بایست در صورت فراهم بودن شرایط معینی از طریق آن به امکانات تریمون افشاکری دست یافت و مقدوش نمودن تفاوت اساسی و تعیین کننده بین این دو نوع انتخابات، بمعنی مخدوش کردن مرز بین انقلاب و رفرمیسیم است.

پس تا کتیک شرکت در انتخابات ریاست جمهوری که یک ارگان اجرایی است نه قانونگذاری، اگرچه باید افشاکری به مرحله اجرا گذاشته شود اما در واقع به دقتاً به ضد این هدف عمل می کند و تنها باعث بالا رفتن توهم توده ها و تبلیغ این که گویا راه حل غیر از انقلاب نیز برای رسیدن به قدرت وجود دارد. اما از نیروهای دیگری که هر کدام از این راه در مورد انتخابات ریاست جمهوری به مواضع راست کشیده شدند می توان اتحادیه کمونیست های



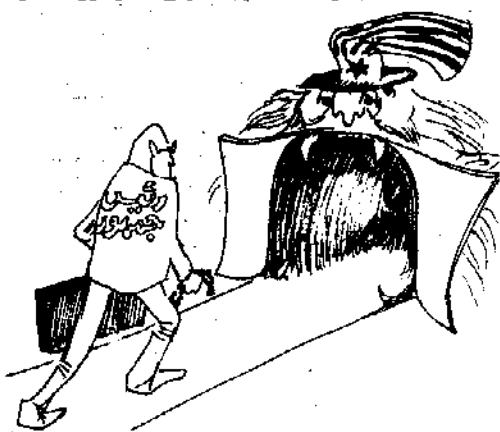
باشد که خود احزاب و (شخصیت ها) درباره خود می گویند بلکه باید در اطراف آن چیزی باشد که این احزاب بدان عمل می نمایند و نیز در اطراف این باشد که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل می کنند... (لنین، نقل از کار شماره ۲)

رفقا، در مقاله کار ۲ می نویسند "حزب توده - که گاندیدایا توسعه کرد برای این منظور برنامه های خود را ارائه دهند تا ملک قضات و انتخاب حزب قرار گیرد" و نقل قول فوق را از لنین برای رد این استدلال آورده اند و در حالیکه خود رفقا در مقاله کار ۲ معیارها برعکس گفتمان برنامه گاندیدایا قرار داده می نویسند: "و از آنجا که هنوز اساسی گاندیدایا را تعیین جمهوری رسماً اعلام نشده است، و هنوز صف آراسی های پایا نرسیده و برنامه گاندیدایا مشخص نشده است، (دقیقاً) همان ایستاده شامل این استدلال است که خود رفقا بر "حزب توده" وارد می آورند! لهد اعلام حمایت سازمان از یک گاندیدایا اعلام انصراف خود را از شرکت در انتخابات، به روز

ایران... ما زمان انقلابی زحمتکاران کردستان ایران (کوه ها) و کوه راه کارگر را تمام کردیم. اتحادیه کمونیست های ایران، همانند رفقای فدائی (البته از زاجه ای متفاوت) - جزو نیروهای است که ضمیمه از زمان اجرای افشاکری سفارت آمریکا انتقاد بدخلیونیک افکار ترشده و به دام هوچیگری های هیئت حاکمه افتاده است. (برای بررسی انحرافات این رفقا به مقالات مندرج در پیکارهای شماره ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ مراجعه شود.)

سازمان انقلابی زحمتکاران کردستان، با برخوردی پراگماتیستی و بدون ارائه یک تحلیل مشخص گسسته بتوان به آن استناد نمود، اعلام شرکت در انتخابات و پشتیبانی از گاندیدایا مسعود رجوی نمود پذیرفتن طرح ۲۶ ماده ای هیئت نمایندگی خلق کرد را از جانب رجوی بعنوان عده تریمون دلیل شرکت خود در انتخابات ذکر نموده است.

راه کارگر نیز از زاجه امکان افشاکری از طریق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و اعلام برنامه مسالمت آمیز، برپا را برای توده ها، حرکت می کند و در شق امکان گاندیدایا شدن کمونیست ها برای ریاست جمهوری و عدم این امکان را مطرح ساخته و بعلمت تحسین شق دوم از جانب قانون اساسی ارتجایی، مسالمت حمایت از گاندیدایا نیروهای دموکرات انقلابی را مورد توجه قرار داده و اعتقاد دارد که از این طریق نیز می توان برای "ارتقا" گاهی انقلابی توده ها استفاده نمود. اما جالب اینجاست که این رفقا خودشان در اعلامیه مربوطه سبکه محرومیت مسعود رجوی را از امکانات راد پوتونیزون و نیز محدودیت های فراوان که در حین تبلیغات برایشان فراهم می آورند را مطرح ساخته و حتی به این نتیجه نیز می رسند که ممکن است کار تبلیغاتی رود که "به فتوی صریح رهبری و مراجع" نیز برای حذف گاندیدایا دموکرات به ایجاد حد بین ترتیب حتی آن امکانات محدود برای افشاکری را که خواهند داشت هستند نیز منتهی می شود. ولی بسا وجود این از تحلیل دست خود به نتیجه شرکت در انتخابات می رسند. اگرچه در مورد "تریمون افشاکری"



در پارلمان و تفاوت اساسی آن با شرکت در ارگانهای اجرایی صحبت کردیم.

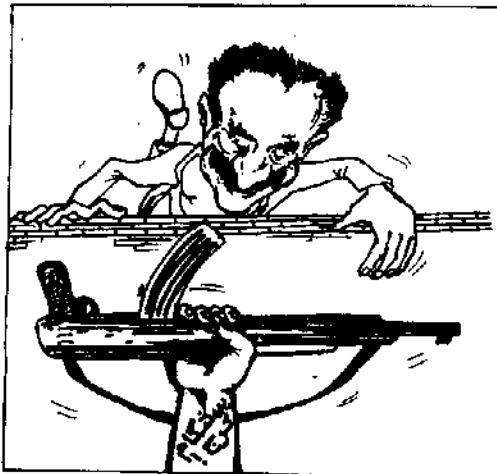
و اما بالاخره انتظار نیروهای مردم و دجستار توهم دیری نباید بالاخره آنچه انتظاری رفقا و ممبران علی بود که هیئت حاکمه خود برانیده و رفرمیسیتی گذار مسالمت آمیز، که به فرارسید و آیت انسه خمینی "غایت رهبری (!) را تکمیل نموده و آب سردی

بقیه در ۱۱

مشق چریکی به چه می انجامد؟

بخش پنجم

آیا سازمان چریکهای فدائی خلق واقعاً بارویزیونیسم مبارزه کرده است؟



رفقای پیشگام می گویند: «می بینیم در این دوره (نظیر اوایل کارش - ج - ف - ح - است) مبارزه بارویزیونیسم و امپریونیسم (از نوع حزب توده ای) برای محو و زمین بردن آگاریونی این حزب و نتیجه برای شکل گیری روش جنبش نوین امری الزامی و حیاتی بود. به همین جهت رفقای اولیه ما با قاطعیت می گیری لازم به این وظیفه پرداختند» (تأکید از ما است. قیام و اکونومیسم ص ۲۰)

ما برای شناختن این ادعای رفقای پیشگام نگاه می به «رفقای اولیه فدائیان» می افکنیم. در اینجا لازم است که یک تقسیم بندی در میان رفقای اولیه انجام دهیم:

- ۱- رفقای اولیه دارای مرزبندی قاطع بارویزیونیسم - خروش جفای و شوری ضد خلقی
- ۲- رفقای اولیه سائیریت (مرکزگرا)

(۳- رفقای دارای مرزبندی قاطع بارویزیونیسم)

طریق انحرفاتی که رفقا احمدزاده، نایدل و حمید مؤمنی و... در زمینه برخورد به مشق ضد پرولتری چریکی دارند، اما این رفقای انقلابی با مرزبندی قاطع و انقلابی بارویزیونیسم بدفاجار و مارکسیسم - لنینیسم برمی خیزند و ترهجات خروش جفای را فدا می نمایند و اتفاقاً همین دستاورد مهم و اساسی این رفقا است که بارویزیونیسم چریکهای فدائی زینت شده و فرا وشی سپرده شده است. این راهم بگیریم که دستاورد مهم رفقا مرزبندی قاطع بارویزیونیسم است و اگر نه مبارزه ایند تلویزیون اساسی بارویزیونیسم در چهارچوب مشق چریکی نمی توانست به پیش رود و طریقه کوشش ضد فاسد این رفقا، بارویزیونیستهای مبارزه ایند تلویزیون اصولی بسیار قاطع انجام گرفت.

رفیق احمدزاده در کتاب «مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک» (که دارای انحرفات اساسی در برخورد به مشق چریکی است) بطور قاطع بارویزیونیسم خروش جفای و حزب توده (که آنرا کارگر کشوری از یک حزب (م - ل) از زمان پیدایش می خواند) مرزبندی میکند. رفیق طبریز نایدل در کتاب «آذربایجان و مسئله ملی» توده ایها را قریب به های خروش جفای (ص ۲۲) می نامد. رفیق نایدل در مورد شوری چنین می گویند: «وقتی حکومت سوسیالیستی (که کلمات داخل گیومه از خود رفیق نایدل است) با حکومت ارتجاع طاعل امپریالیسم در نهایت صلح و مصالحه می رسد و اگر از یک های بدریخ اقتصاد و سیاسی و نظامی خویش برخوردار می سازد، وقتی رشد بهیو دفع چهار بار پشت سر هم با ایران دعوت میشود و دلق و آراگتکهای تی در باره روابط دختران و پسران وزن شوهرهای هم برای پرولترانهای شکم گنده تهران میخوانند وقتی رادیوی «ستاد زحمتکشان جهان» ندا در می دهد

که خلقهای سراسر جهان متفرق شوید دیگر نیازی به جنگ انقلابی و خونریزی نیست، امپریالیسم را بتدریج ضمن مبارزه اقتصادی منکوب خواهیم کرد و بلندگوی «حزب پیشروی ایران» از آلمان وزارت کار ایران را متوجه تقاضای در غرض عمل اداره کار صفتان میکند و تقاضا دارد که مقررات بهمه رادریق کارگران غلام کارخانه هم اجرا کنند دیگر کارگران هرنجبران ایران هم باید بهمه مند که دوره، دوره همین نیستی گسترگ ویش است (راستی هم آنها تصور نمیکنند بهایین سرعت مانکا و تیرم معلوم گردد که مشق ویش تقلب است و در واقع ماده گرگ است که به فاضل جفت خود خنجر زده است. (رفیق نایدل شوری را اینک بهه گرگی تشبیه میکند که بدامن جفت خود (امپریالیسم خنجر زده است) (ص ۳۴).

نظرات رفیق حمید مؤمنی در مورد امکان احیای سرمایه داری در «سوسیالیسم» بسیار جالب توجه است. (می بینیم که رفقای فدائی امروزه یکسره نه تنها در مقابل نظرات لنین که پرولتر را در آن گذار بودن سوسیالیسم، نه نظام بودن آنچنان که رفقای فدائی ازویزیونیستها آموخته اند و امکان احیای سرمایه داری ایستاده اند بلکه تمامی دستاورد های رفقای که برای چون مؤمنی را نیز بدست فراموشی سپرده اند. رفیق مؤمنی بیان میکند که در دوران سوسیالیسم سرمایه داری از قدرت سرنگون میشود اما نابود نمی گردد و در زمانی طولانی و مبارزه ای سر سخت برای نابودی آن لازم است و رفیق اینصورت سرمایه داری احیا می گردد. رفیق مؤمنی - پرولتری را به چهار شکل در دوران سوسیالیسم نشان می دهد: ۱ - تولید کنندگان کوچک ۲ - بنگاها و تعاونیهای تولید ۳ - قشر ستار (بقول رفیق مؤمنی خطرناکترین عناصر سرمایه داری هستند) اینان پرولترانها و تکنوکراتهای هستند که چون حزب و دولت را در اختیار دارند و می توانند با افزایش حقوق و امتیازات خویش سوسیالیسم را آرام چند ریج

به کاپیتالیسم دولتی تبدیل کند و پرولترانها را از طریق حقوقها و امتیازات مالی خویش استثمار نمایند و سپس هم زمینه را برای احیای سرمایه داری خصوصی فراهم سازند (توضیح یوگسلاوی).

۴- در آن صورت استفاده چنان که در نتیجه تسلط قشر ستار بر اداره امور حزب و دولت و تضعیف و نابود ساختن سائیرالیسم دموکراتیک بوجه سود آمدن هدیهال خویش دزدی، رشوه گیری، استفاده از اموال دولتی و... بهر صورت شکست جدیدی از پرولتری بوجود می آوردند.

رفیق مؤمنی می افزاید که پرولتری در صورتی که بوسیله پرولترانها در همسایه کوبیده نشود هر حزب و دولت تسلط باید در سیاست خارجی این دولت شروع به بند بست سیاست امپریالیست و فزاینی کردن منافع خلقهای پر دزد و درد اخل نیز روز بروز شرایط زندگی اشرفی تری برای خود فراهم میسازند و زمینه را برای احیای کامل سرمایه داری آماده می نمایند. ... اینجا این حساب روشن است که چه خطر عظیمی از جانب پرولتری پرولترانها علیه کشورهای سوسیالیستی آنان را تهدید می کند، خطری که توده های ایند رسته این کشورهای می تواند بدون مقاومت، آرام، آرام تیار سازد و بهاره بدام سرمایه داری بندد. همانگونه که شرکت در منافعه استثمار پرولتری خودی و پرولترانهای انقلابی اروپا را تیار ساخت و لیکتکها را روزی که کارگران را از در خارج نمود و هم اکنون پرولترانهای آمریکایا برده های مطیع سرمایه داری تبدیل کرده است.

(حمید مؤمنی - چهارراه ۸۰-۷۸) رفیق مؤمنی در مورد عملکرد ویزیونیسم جدید در شوروی چنین می گویند: «ویزیونیسم جدید... دارد تا بهود سوسیالیسم را آهسته آهسته میفرود میسازد و آنرا کم به سوسیال امپریالیسم تبدیل می کند. که طبعاً به نیروهای انقلابی کشورهای دیگر هم فقط به صورت یک آلت دست خواهد نگرینست برای معامله چند دست از آنها استفاده خواهد کرد» (حمید مؤمنی - شورش نه، قدمهای سنجیدار در راه انقلاب ص ۵۴)

بدین ترتیب تر سوسیال امپریالیسم در میان رزمندگان درون میهن برای اولین بار از سوی رفقای دلاوری چون حمید مؤمنی یعنی بنیانگذار سازمان چریکهای فدائی خلق مطرح شد. اما اکو می بینیم که ج - ف - ح که بسیار بسیار از اعتبار رفقای رزمده پیشین استفاده میکنند تنها اندیشه های انقلابی آنان را در برخورد به ویزیونیسم رها کرده است بلکه عملاً به دشمنان در آن نیز پرداخته است.

فدائیان خلق ترسوسال امپریالیسم را ترجیح می دهند و از همه جالب تر پیشگان ویزیونیست کرج در خصوص سوسیال امپریالیسم چنین می گویند:

«این ترسوسال امپریالیسم بیاری کود کانه است که جوانان روشنفکر مرفه به آن دچار میشوند» (تأکید از ما است).

آرافیق مؤمنی نیز جزو این کودکان بیمار روشنفکر مرفه بوده است (پایه ۹) البته بنیانگذاران این ترهبران چپ نبودند، بعد از اینکه شوری در همه (۲۱) معنای ویزیونیسم را فهمیدیم (۲۱) از اصول مارکسیسم - لنینیسم تجدید نظر کرد (که مافعا به آن نمی پردازیم) رهبران چپ علم مخالف برافراشتند بعد از مدتی اعلام کردند که دیگوشوروی یک کشور سوسیالیستی نیست بلکه سرمایه داری است.



جنبه گمراهی در مقابل شو، روی به مذاق روشنفکران بهروز خوش آمد. (اینجا یک تذکره کوچک لازم است پس از مبارزه انقلابی رهبرانی چون رفیق مائو وانور-خوجه بر طبقه ریز یونیسف خروشی در جنبش کمونیستی ایران نیز فقط احمد زاده، مو، منی و... بد فاع از مواضع این رهبران پرداخته و بر طبقه شهری موضع گرفتند. بدین ترتیب پیشگام کرج در حقیقت با بنیانگذاران "ج-ف-خ" نیز تصنیف شده حساب می کنند منتها چون عاجز از برخورد ایدئولوژیک هستند با چند فحش "روشنفکران مرفه" و "خرده بورژواها" خیال خود را راحت کرده، حزب توده را- شیرین کام می کنند (روشنفکران دور از وطن ایرانی که دنباله روی حزب توده را از شهری دیده بودند و انبی علی حزب توده (اگر مانند حال حزب توده مطابق تروهای ریز یونیسف عمل نیز بشود چسبه؟!) عملگرایی هم اندازه دارد! فقط عمل را بدین و هدف عمل و طبقه‌ای بودن عمل کننده را ندیدن (مصداقی بودند، بسوی کعبه جدید روی می آورند و ترجمه کتابها و آثار چین پرداخته و ستایش از صدر کیمرفیق مائو شده و در پرداختن "گام ۲ پیشگام کرج ص ۱۸-۱۹)

در فروردین ۵۷ منتشر شد. رفیق جزئی در مبارزه با ریز یونیسف نظریه‌های رادیکال و ایدئولوژی بهانه کارهای اساسی تراز مبارزه ایدئولوژیک با توده ایها - سرزمین زند - و جای افشای خیانت‌های آنان با چند فحش خیال خود را از تحلیل نظرات آنها (که اگر درستی انجام میداد از نزدیک نظرات خویش چه در مورد مسائل جهانی - برخورد با ریز یونیسف و شناختن دیکتاتوری به مثابه - تضاد عمده با حزب توده حتما در شکست میشد!) راحت می کند. البته خواهیم دید که وقتی هم در مورد حزب توده سخن می گوید نظرات نادرستی را مطرح خواهد کرد.



رفیق جزئی میگوید: "اگر خواهیم بهر باخ-ت و تازهای رادیکالی جماعتی مهاجرت زده که غلبه بیش از حد مال، جزئی‌های را اشتباهات (؟!!) واجبه انگیز و چاپلوسی های تهوع آور را در دوش نمی کنند، با سح گویم از کار اساسی خود بازمانده ایم و این همان بحران است که ایرونیسم می گویند مایه آن بکشاند... (جزئی - چسبه کسانی به مارکسیسم - لننیزم خیانت کرده اند و وجه کسانی از توده بریده اند...)

آری، "چریک‌های" ما کارهای مهمی را از قای ریز یونیسف دارند و چنین است که هرگز دست به بحث مبارزه اصولی برای درهم کوبیدن مواضع ریز یونیسف نمی زنند. اما تازها! آیا با چه نظراتی می توان به مبارزه ایدئولوژیک با حزب توده پرداخت. مشخص چریکی فاقد آن قدرت و توان تئوریک و مارکسیستی است که بتواند با ریز یونیسف مبارزه کند. چرا که چسبه بسا ایدئوهای ریز یونیسف را نیز با خود حمل خواهد کرد. رفیق جزئی در مبارزه "پس گیر و طاع ادعای رفقای پیشگام" و "افدا" چه ها که نمی کند! او در مورد حزب توده می گوید:

از بنیانگذاران "ج-ف-خ" می نویسد: "حزب توده بعنوان يك حزب کمونیست اموجودیت داشته! (حزب توده و کودتای ۲۸ مرداد ص ۲۸)

در هنگام صحبت از حزب توده از "حزب انقلابی کارگری" (" همانجا ص ۲۸) یاد می کند و تا "مف-می خورد که چرا" حزب توده بعنوان حزب طبقه کارگران نه تنها موجودیت سازمانی خود را کسب با استفاده از فرصتهای مناسب تاریخی غیر قابل تکرار ساخته شده بود از دست میدهد. بلکه... (همانجا ص ۳۲)

رفیق شهید ضیا طریقی حتی از کمیت مرکزی حزب توده نیز بیشتر است. زده است: "شرح شعار جمهوری دموکراتیک ایران را در ۲ مرداد نادرست می بیند (همانجا ص ۱۶) و حتی بسود حزب توده تحریف تاریخ دست می زند و طریقی نظرات حتی خود حزب توده میگوید که حزب توده در ۲۰ تیر با تکرار طاعت ضد حکومت را بدست گرفت و منتظر توافقی رهبری جنبه ملی نماند. (همانجا ص ۱۱۲) در حالی که در بنوم وسیع ۳۳۱ حزب توده تحت فشار به پای نیروهای مترقی درون حزب، از خود چنین انتقاد می کنند: "در حادثه ۳۰ تیر ۳۳۱ ما در برابر ترس و ترس ملی و آنهم پس از آنکه بخش از توده "حزبی با تکرار خود جنبید و از صحنه شدیم". جالب است رفیق ضیا طریقی از رفتن اولیه در مبارزه پیگیر و قانع خود با ریز یونیسف عملا به دفاع از حزب توده و تحریف تاریخ بسود آنان دست می زند. برای نمونه بدینست نظرات رفقا جزئی و "نیا طریقی را ملا" با نوشته حمید مو "می دریا است به فرصت طلبان معایبه کم:

"حزب توده که بقول رفیق مسعود فقط کاریکاتوری بود از یک حزب مارکسیست لننیزست، ضد انقلاب و عاصردادگاری و مبارز حزب راه زیر تیغ جلادان سید از و خود راه فرار در پیش گرفت و بدین جهت بهملیت ماهیت ایرونیستی دستگاه رهبری خود هرگز نتوانست مسائل تئوریک انقلاب ایران را حل کند و یا حتی این مسائل را طرح نماید. این حزب که از مبارزات توده ها عقب مانده بود و میل عدل استقلال سیاسی خود که ناشی از جدائی او از توده ها بود رهبری مبارزات ملی را برای بورژوازی ملی باقی نگذاشته بود با اولین حمله ارتجاعی تارومار شد و لشکریان شکست خورده اش پانویس شدند یا تسلیم گردیدند و راه فرار در پیش گرفتند. (پان-سخی به فرصت طلبان - حمید مو ص ۲۳)

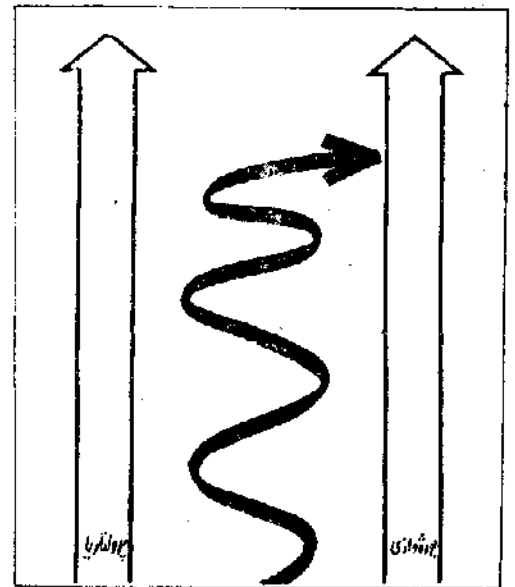
در دیگر مبارزات ایدئولوژیک ادعای پیشگام نیز ماکتبه یک برخورد اصولی و مارکسیستی رهرو-هستیم. نمونه آن (که رفقای پیشگامین - آن اشاره کرده اند) اعلامیه "اعدام انقلابی" است. ما در برخورد به این اعلامیه برای اینکه نشان دهیم تدوم آن دید انحرافی در رفقای پیشگام نیز وجود دارد از جلاتی که بطور تأیید آمیز در مقام و اکونومیستها مورد استفاده قرار گرفته، بهره میگیریم. در این اعلامیه می خوانیم: "ریز یونیسف بدینست نظرات نادرستی مانند گد ارسالت: نیز، صلح-اجتماعی، سازش ایرونیستی با امپریالیسم، در مسئله جنگ و صلح و غارت مستعمرات (تأکید از است.) بد لازم آمده مبارزه طبقه‌ای در جامعه

از رزمندگان درون میهن مانند هم استرانی و هم تا کنیک دفاع از رفیق مائو در مقابل ریز یونیسف خروشی پرداخته شده است. عجیب است. پیشگام کرج با بزدلی هر چه فحش دارند نشمار رفیق احمد زاده "مو" منی و نابدل و... می کنند اما از آنجا که می خواهند جای دیگر از اسنان استفاد کنند پشت خون این شهید را بگریه و انحرافات خود راهپوشانند از بدین نامتان خود داری میکنند بدین ترتیب زریگی کرده و مسئله را به روشنفکران دور از وطن نسبت می دهند. تا آنجا که ما می دانیم بنیانگذاران "ج-ف-خ" در درون میهن با امپریالیسم رزمیدند و شهید نبردند. نفع از- میهن!! البته گروهی از روشنفکران دور از وطن نیز به سوسیال امپریالیسم اعتقاد داشته اند. اما پیشگامهای ما بجای مبارزه ایدئولوژیک در سر دستس یا نادرستی این تریاعنوان کردن اینکه این ترمشعلق به روشنفکران مرفه "خرده بورژواها" و "روشنفکران دور از وطن است" خیال خود را راحت کرده اند، در اینجا فقط به آنان گوشزد می کنیم که آورندگان این تروها بنیانگذاران "ج-ف-خ" بوده اند و شباهه انحرافات آنها چسبیده اما ستاردهای درخشان آنان را پامال کرده اند.

۲- رفقای اولیه "لنینیزم" - رفقای پیشگام که رفیق جزئی را مارکسیست - لننیزست کمین می مانند در برخورد با مسئله مبارزه با ریز یونیسف در چاریک تناقض میشوند از سویی در یک جاوی را بر-جد از مبارزه با ریز یونیسف و ایرونیسم قلمداد کرده و حتی می گویند که رفیق انشعاب گروه منتسب که بحزب توده پیوست را پیش بینی میکرد و در جاسی دیگر کردن تحلیل از گروه منتسب را چنین ارزیابی می کنند که این مسئله: "ناشی از ضعف تئوریک کل سازمان بوده و هست" (قیام و اکونومیستها) حال بینیم واقعا رفیق جزئی با ریز یونیسف مبارزه کرده و مبارزه اش چگونه بوده است؟ در یکی از سخنرانیات رفیق جزئی که توسط سازمان "ج-ف-خ"

برافراشته تر باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک!

سوسیالیستی، بند هست با محافل مرتجع و غیره را تبلیغ می کند و خود به آن عمل می نماید. در میان این نظرات چون دو نظریه نخست یعنی نظریه گذار مسالمت آمیز و نظریه صلح اجتماعی با مبارزه مارکسیست مستقیم دارد. ناچاریم درباره آنها به طور روشن و دقیق موضعگیری کنیم اما سایر مسائل



را چون در حال حاضر با وظیفه تاریخی مشخص ما، مستقیماً ارتباط پیدا نمی کند، می توانیم فعلاً حل نشده (۱) به تأکید اخیر خود متوجه شویم. اعلام کنیم بعداً ظرفیت جنبش انقلابی و جنبش بطور عام و جنبش کمونیستی ایران بطور اخص بهتر گردد و درون جنبش، محافل نظرات مختلفی درباره آنها وجود داشته باشد بدون اینکه تعیین کنیم این وجه تاریخی عقلی و منطقی است، اما راجع به نظریاتی که ما مجبور به موضعگیری جدی در مقابل آنها هستیم، باید بگوئیم که این نظریات (گذار مسالمت آمیز و صلح اجتماعی) گرچه ممکن است شکل سوشلیستیک کمابیش تازه باشند ولی مایه پایه سوشلیستیک در آنها همان است که در ریزینوسم فدیسم بود. بنابراین ما می توانیم حتی در محافل شاخه ای کنونی هم شرکت نکنیم (تأکید از ما است) راه درست حل این مسائل را مستقیماً از لایه به لایه می بینیم.

در کارگرانی که لایه به اندازه کافی نظریات گذار مسالمت آمیز و صلح اجتماعی رسوائی آبروشده است و اگر می بینیم که این نظریات دوباره در اینجا و آنجا ظاهر می شود، بدین دلیل است که شرایط مادی علم شدن آنها وجود دارد. (۲) قیاساً و کونیوسم است (۳)

ما از طرف سؤال می کنیم الف: چگونه است که فقط گذار مسالمت آمیز و صلح اجتماعی با مبارزه مارکسیست مستقیم دارد و با بنظر شما غارت مستعمرات - بند و بست با محافل مرتجع و دانش پوزیتیویستی - امپریالیسم در مسکنه صلح و جنگ (اینها دقیقاً همان چیزهایی است که رفقای فدائی بعنوان نظرات نادرست و ریزینوسمی یاد کرده اند) و اگر می بینیم که تلهای ریزینوسمی در مورد مسائل دیگر نیز وجود دارند و به بر اصل جوهر ریزینوسم که فقط به آن اشاره نکرده اند اما به ما کلاً مربوط است (به ما ارتباط پیدا نمی کند؟ آیا غارت مستعمرات به کشورهای تحت سلطه مربوط می شود یا نه؟ آیا

سازش پوزیتیویستی با امپریالیسم حتی در خصوص همین مسئله جنگ و صلح تأثیر خود را بر خلق ای تحت سلطه نمی گذارد؟ بند هست با محافل مرتجع چه اینهم بطور مستقیم به ما مربوط می شود یا نه؟ آیا بند هست با رژیم ضد خلقی شاه - مستقیماً - مربوط بود یا نه؟ آیا غارت ایران مستقیماً به ما مربوط بود یا نه؟ اگر مربوط بود چرا این رفقای فدائی نمی دیدند؟ آیا این مسائل به این یا اهمیت چریاگداد هستی از سوی رفقای فدائی "ف.ع.ا." حل نشده بایستی باقی بماند. حل شدن این مسئله بدون کجاست؟ بدون خلق یک ضد خلقی بدون توده های مردم با امپریالیسم؟ این تریه چه هدفی خدمت می کرد؟ آیا خود همین تریات دید آگشتی غیبتی داده نشد؟ چرا بایستی تریونوسمی در مورد غارت مستعمرات و بند هست با محافل مرتجع حل نشده باقی بماند؟ ما رنه ایست که "حل شدن" آن تنها و تنها تسریع ارائه غارت مستعمرات و بند هست با محافل مرتجع است؟ آیا این دیدگاه تراوشات ریزینوسمی بیرون نمی زند.

ب: منافع جنبش انقلابی و عوامان بطور اخص و جنبش کمونیستی ایران بطور اخص چه چیزی را طلب می کند؟ مبارزه باین تئوری انقلابی حرکت باین تئوری ریزینوسمی؟ آیا اگر ما خواهان انقلاب هستیم می توانیم تئوریهای ریزینوسمی بی اعتبار باشیم؟ آیا می توانیم با امپریالیسم بدون مبارزه با ریزینوسم و ریزینوسم؟ رفقای فدائی می گویند در صورتی جنبش می تواند نظرات ریزینوسمی وجود داشته باشد؟ آیا این سخنان رفقای فدائی تکرار نظرات سوسیال رولسون و همکاران است که میگویند ما با لورجی خواهان وحدت همگان هستیم و شدت تمام مشاجرات اصول تئوریک را محکوم کنیم. (مارتینیک روسکوی رولوتسکی شماره ۲ صفحه ۲۷) و لورجی ای اطمینان می دادند که "یک مارکس جدی انقلابی باید از توجیه حل مسائل مورد اختلاف تئوری اجتماعی که همواره منجر به فدا می گردد، دست بکشد اگرچه این موضوع نباید باعث بازداشتن تئورسین ها از یافتن راه حل آنها گردد."

بنظر ما این سخن که لایه به اس - ارها در این زمینه داد می تواند بهترین پاسخ به این لورجیست رفقای فدائی و تأکید کنندگان امروز رفقای پیشگام باشند؟ نیازی نیست که به تحلیل جدی این تئوری غفله از سوسیالیسم بپردازیم (فقط بعداً ظرفیت ما را بنظر ما هران سوسیالیسم هر سوسیالیست به هر حد اقل جدی را بویژه موظف می دارد که توجه خود را به تئوری بیشتر افزایش دهد، قانعانه تریک موضع کلاً معین اتخاذ نماید و حفظ فاصل دقیقتری میان خود و عناصر متزلزل و غیر قابل اعتماد بکشد. ... بعد از یک جریان انقلابی در صورت فقدان تئورسوری ضرورت موجودیت خود را از دست می دهد و به یارود بطور اجتناب نباید بر محکوم به شکست سیاسی است. اما بعد از سوسیال رولوتسکی و فقدان تئوری چیز خوب و درستی و بخصوص برای وحدت شائب است. اما بطوریکه دیده میشود ما نمیتوانیم با آنها زبان مشترک پیدا کنیم، زیرا باین تئوری متفاوتی سخن می گویند. یک امید باقی است: شاید آقای استرویه از روسیه نقل آورده که یک آتش که جدی تر در بار این پیدا شدن و که در جست و جوی است که کار "تئوریک کار" به این است که به پروتاریا متوسل می شود. متحد ساختن است نه نقای افکتن. یا سوسیال رولوتسکی و تریک

آقای استرویه می خواهند برون که مفهوم واقعی موضعشان در مورد آزادی از سوسیالیسم بخاطر وحدت و وحدت بر مبنای آزادی از سوسیالیسم چیست؟ (لنین - ماجراجویی انقلابی)

ج: جالب اینجاست که رفقای فدائی حتی از مبارزه آید لولوتیک بر سر همان مسائلی که بقول خودشان مستقیماً به آنها مربوط است یعنی گذار مسالمت آمیز و صلح اجتماعی غفله می روند و از مبارزه آید لولوتیک بخاطر وحدت (یا بقول لنین تئوری طغریه از سوسیالیسم به بهانه وحدت) چشم می پوشند یعنی در حقیقت بخاطر به اصطلاح مصالح جنبش انقلابی و لایه و جنبش کمونیستی ریزینوسم را از راه می کنند تا به خرابکاری در جنبش بپردازد. در همین نقل قول رفقای فدائی در اعلامیه اعدام شهر یاری که رفقای پیشگام نیز به آن معتقد بود و از آن دفاع میکنند بخشی نشان می دهد که ای رفقا! ریزینوسم را نمی شناسند و به آن بعنوان عاملین شور و آزادی نمی نگرند و دقیقاً دیدی سائیرینی که لنین در کاتوتسکی می دید دارند. کاتوتسکی نیز در از وحدت با ریزینوسم - بعداً ظرفیت صلح جنبش می زند بدین ترتیب در این اعلامیه می افزاید: "ولی این بحث باید مفید به ضوابط باشد که به وحدت سوسیالیستی ما بطور اخص و جنبش انقلابی ایران بطور اخص لطمه نزند. آری - مرکز گرایان - ما معتقدیم مبارزه آید لولوتیک بر سر ریزینوسم جهانی باید غوری عمل کرد که مانع وحدت با چه کسی از ریزینوسم یعنی بورژوازی؟ آیا این خود تراشیدن غیبت نیست؟

همچنین در مورد کاتوتسکی می گوید: "چرا این دوم که اصطلاح مرکز نموده میشود افراد هستند که سوسیال شونیستها و انترناسیونالیستهای در کشور در درونشان افراد مرکز شده سوگند یاد می کنند و درباره سوسیالیست می طلبند که مارکسیست و انترناسیونالیست و غیره و غیره ظرفیت اصلاح با سوسیال شونیستها هستند. مرکز عرصه عبارت پر از بهای خیر اندیشه مجرد بورژوازی، انترناسیونالیسم در گذار رولوتسکی نیمه جیوانانه و خوش خدمتی در برابر سوسیالیست شونیستهای در کردار است. (وظایف پروتاریا در انقلاب ماس ۴۱)

اعلامیه اعدام شهر یاری نقطه چرخش در برخورد سازمان نسبت به ریزینوسم است. در حقیقت دیگر برخورد قاطع نسبت به ریزینوسم - جای خود را بگیرد در مقابل آن می دهد و دیگر برخوردی اصولی و قاطع با ریزینوسم از س - ج - ف - خ نمی بینیم، البته میتوان از استثنای چون اعلامیه س - ج - ف - خ در سال ۱۹۲۰ شهادت رفیق خسرو ریزه یاد کرد.

عدم مبارزه با ریزینوسم را میتوان از خلال شماره های گذار یافت با وجود آنکه با استفاده از شرایط نسبتاً لیبرالی برخورد ریزینوسم شروع به رشد کرد و عناصر بوروکرات و روشنفکران تازه بسیار عناصر ناگاه را بخود جلب می نمودند. س - ج - ف - خ از مبارزه آید لولوتیک با آن چشم می پوشد. به علاوه کارهای رفقای پیشگام نیز نشان می دهد که انگار تعداد سازمان بکار برد راه آزادی علیه کارگر بود و به پیشترین نیرو و با تحریف و مبارزه ای غیر اصولی و "چریک وار" به سازمان بکار. "حمله کردن بدین ترتیب تقریباً میتوان گفت که شماره های کما بجز چند شماره پرانده از یک مبارزه آید لولوتسکی نمیتوان اثری یافت. در عوض رفقای پیشگام

نمایشگاه فلسطین

از سوی سفارت فلسطین نمایشگاهی به نام «سایت پانزدهمین سالگرد انقلاب فلسطین» در فلسطین در یکی از سالنهای ورزشی جنبه امجدیه برای مدت ۱۰ روز برپا گردیده است. در این نمایشگاه می توان دید:

۱- تصویرهای بزرگ از یک روزنامه فلسطینی خودنمایی می کند. و در داخل سالن پرچمهای ایران و فلسطین به نشانه وحدت خلقهای این دو سرزمین در کنار یکدیگر قرار داده شده است. نمایشگاه شامل عکس، نقاشی، طرح، پوسته و نیز کارهای دستی (خصوصاً کارهای فرزندان شهید فلسطینی) می باشد.

در یکسوی نمایشگاه نقشه هایی از سرزمین فلسطین در دوره های مختلف هجوم صهیونیستها و تأثیرات آن کامل آن در ۱۹۴۷ توسط آنان قرار دارد. و نیز نموداری از جمعیت این سرزمین در سال ۱۹۱۷ پیش از تقسیم آن. اجرای توطئه ی امپریالیستها و صهیونیستها، ایستادن آنها با انگارین و اطمینان است که در آن سال ۹۸٪ مردم این سرزمین فلسطینی و تنها ۲٪ آنها یهود بوده اند. نمودار دیگری نشان میدهد که از سال ۱۸۸۱ تا ۱۹۷۰ مجموعاً ۱۸۲۶۵۳۸ نفر مهاجر یهودی به این سرزمین وارد شده و در زمینهای غصب شده فلسطینیان سکنی گزیده اند و بدین ترتیب صهیونیستها با کمک اربابان امر-پالیستان از یکسوی اخراج اعراب فلسطینی و از سوی

مشتریان به چه می انجامد ... ۱۱۳

خود میزبانی این راه مرحله به کمونیستهای واقعی میهن به پنهان های گوناگون فرو می نشاند و به وسیله بی می باید به سازمان پیگرد راه آزادی طبقه کارگر حمله می شود. نقطه نظرات جمعی از ارگانهای بیشتر - ج - ف - خ بسوی ریزش همگام می کند. (این مقاله در راه نوشته شده و دوباره آورده شده است در ۲ ماهه اخیر هر چه رفقای قدافه به نقطه نظرات ریزش یونیستی نزدیک شده اند برای پوشانیدن نقطه نظرات انحرافی خویش و تشابه آن با نظرات ریزش یونیستی حزب توده در خصوص رهبری خرد به روزی مرقه دانشجویان به روش امام و کارگران به کار و ... شهری، افغانستان ... و اکنون نیز با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری با افتادن بدام گذار سیاست امیز (ارتقا رفقای فدائی در طی این سالها بسیار کوشش داشتند که حداقل با این ترمز بندی کنند، اما چون ریزش یونیسم و هرگز نشاندند مخصوص در چند ماهه اخیر با حرکت سریع بسوی ریزش یونیسم بروی مبارک هم نمی آورند که سیستم سرمایه داری وابسته را با پستی و افغان کردند و اینکه آنرا صرف کرد. راستی رفقا فدائی خود کردن ماشین دولتی از دست مارکسیستها چگونه به تصرف قدرت آنها نالانته می شود !!!)

چند فحش نیز به حزب توده در نشریات اخیر کارزار کرده اند. در اینجا اعتراض توده ایها که بخاطر مواضع اخیر رفقای فدائی با دشمنان گرویده و می کشند جانب است که در میان چارچوب به ما بیشتر نزدیک میشود بیشتر بدافش می دهد! "پاسخ" را امید هم زیر آگهی حزب توده فحش می دهند، اما اینهمه نزدیکی نظراتشان با ما ممکن است در میان توده ها مقبول شوند؟!



دیگر کشاندن بهودیان مهاجر و یگانه ای آنان بجای اعراب توطئه ی شوم خود را به مرحله اجرای آورده اند. عکس ها و دسترهای متعدد از شهرهای اشغالی خصوصاً بیت المقدس و نشانه این موضوع است که فلسطینی ها اگر چه از شهرها و سرزمینشان رانده شدند ولیک هیچگاه از راه فراموشی نسپارده و همواره برای بازگشت به میهن خویش و ایجاد فلسطینی آزاد آماده نمودند. این آمادگی را میتوان از چهره های مصمم رزمندگان فلسطینی در عکس هایشان که آنها را در حین آموزش در اردوگاهها، درجه بندی یادشمن و ... نشان میدهد، بخوبی دید. و البته امپریالیستها و صهیونیستها نیز برای سرکوب این خلق قهرمان و قیامی زندگی انگلی شدند از زمین چنانچه فروگرد ارمی نمایند. تصاویری از این جنایات مؤبد این امر است. تصاویری مقلبی از جنایات پلیس اسرائیل در مناطق اشغالی از جنوب لبنان و اردوگاهها و هکده های بهاران شده و نیز از تل زوتر.

تل زوتر افتخار ایدان انقلاب فلسطینی و از جنگی برپایشانی امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب. سوز تل زوتر و نقاشی های کودکان فلسطینی که به دشمنان اسرائیلی از نمایشگاه را تشکیل میدهند نیز جای خاصی دارد. طرح ها و نیز نقاشی هایی بسبب خاص فلسطینی و از هنرمندان این سرزمین در نمایشگاه به معرض نمایش گزیده شده است.

در گوشه ای از سالن فهرستی از ۱۸۸۶ عمل انقلابی در سرزمین های اشغالی در کمتر از یک سال به چشم می خورد و تصاویری از شهیدان بزرگ انقلاب فلسطینی (خصوصاً شهیدای سازمان آزادی بخش فلسطینی - چشم می خورد)

شهیدان و ... دل مغربی: رهبر عملیات در سازمان آزادی بخش فلسطینی: عضو کمیته مرکزی نیروهای حاصفه و رهبر نیروهای انقلاب در اردن. ابو صیری صیدم: عضو کمیته مرکزی الفتح و عضو ستاد مرکزی نیروهای الحاصفه.

مهندسی کمال حنون: عضو کمیته مرکزی الفتح محمد یوسف اند چار (ابو یوسف) عضو کمیته مرکزی الفتح مهندس عبد الفتاح حمود: عضو کمیته مرکزی الفتح و اطمین شهید کمیته مرکزی.

کمال ناصر: عضو کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش. الح حسن: فرمانده گردان الجلیل ابو حسن سلاطه: رئیس بخش اطلاعات انقلاب فلسطین و رهبر گروه هفدهم.

هانی جوهریه: مسئول فیلمبرداری و خبرنگاری فلسطینی که حین انجام وظیفه در منطقه عین طوره شهید شد. و شیخ عزاله بن الغمام.

همچنین عکس نیز از ایلا خالد رزمنده معروف که همچنان در کنار انقلابیون فلسطینی می جنگد نمایانگر تداوم بی وقفه انقلاب فلسطین است.



پشتوانه دانشجویان و دانشمندان و مبارزان و ...

توضیح درباره مقاله ی:

"سازمان پیکار و مبارزه آید و لوفرتیک"

(در حقیقت شماره ۴۹)

رفقای دانشجویان!

با آگاهی به این نکته که گرانمایی بیش از هر چیز به صداعت و وفات انقلابی نیازمند می باشد. لازم دانستیم که برخوردی مختصر در مورد موضوعی رفقای اتحادیه کمونیست ها در حقیقت ۴۹ در مقابل دانشجویان هوادار اینکند.

مسئله اساسی با این شکل مطرح شد که با موضوعی نادرست رفقای اتحادیه در مورد دانشجویان مبارز در حقیقت ۴۹ برخورد با سازمانهای انقلابی در حقیقت ۴۹ و اینکه "دانشجویان مبارزه این حرکات به مبارزه ضد امپریالیستی مردم خاک می باشند" (حقیقت ۴۹) و "پیکار مبارزه بد امپریالیستی ناخرمیدند است" (حقیقت ۴۷)، لازمه تجدید نظری در وضعیت خودمان بندهایم. هر چه جستجو کردیم چیزی را که دال بر خاک یا شیدن بر مبارزات خلقمان باشد نیافتیم، وضعیت تشکیلاتی درهم دانشجویان مبارز نیز اجازه برخوردی تشکیلاتی را نمیداد. لذا با توجه به این مسئله که دانشجویان مبارز نمیتوانند تجمع میل میکند لازم دانستیم که برخوردی جمعی از طرف دانشجویان مبارز و هوادار اینکند - سازمان این مسئله تصمیم گیری کنیم. این مساله ما بران - دانت که پس از یک جلسه اضطراری و بحث جمعی فعلاً شروع شدن وضعیت اتحادیه و صحبتات با رفقای هوادار اتحادیه از بخش حقیقت از کمال تبلیغاتی خود، خود داری نمایند (۱)

لحی به جلسه بحث مابین رفقای مبارز و هوادار پیکار و هوادار اتحادیه، مابین نتیجه رسیدیم که نمی توانیم نظرات ضد و نقیض را تجمیع کنیم و حداقل کاری که می توانستیم انجام دهیم بحث گیری اصولی در حول نظر تمامی رفقای مبارز و هوادار اینکند به عنوان به رفقای هوادار اتحادیه اعلام کردیم که ادامه کاری با این رفقا امکانپذیر نیستی باشد. حال رفقا و اتحادیه کمونیست ها، نارفعانه این حرکت جمعی را به رفقای هوادار اینکند نسبت داده و فرصت طلبان از این مساله بعنوان "فاکت" درجهت کپی برد نظرات رفقای پیکار استفاده کرده اند. در حقیقت ۴۹ نوشته اند که: "پیکار محتاجات نشریه پاره کرده اند اخت است ۴۹" ما جدا از موضوعی برایان کمونیستی اتهام با این شکل تعجب کردیم چنین برخوردی فرصت طلبانه ای بنظر ما به اتفاقی، بلکه ناشی از دیدگاه و شیوه برخورد ها، نارفعانه اتحادیه کمونیست های باشد.

دانشجویان مبارز و رفقای آزادی طبقه کارگر دانشجویان هوادار سازمان پیکار و راه آزادی طبقه کارگر

(بخش ادبیات دانشگاه تهران)

داری تصمیم گرفته‌ای، همزیستی مسالمت‌آمیز به ضرورت همنی است و آن شکلی از مبارزه طبقاتی بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری در جهان است. (تقویت همبستگی، وحدت نظری و ضروری بسوی موفقیتها بیشتر - له‌وان)

کتاب تان جا پیشرفته که شعار بلشویکیا یعنی شعار "جنگ امپریالیستی راه جنگ بر علیه سرمایه داران میهنی تبدیل کنی را شعار مخصوص آن زمان ارزیابی می‌کند و اکنون حفظ صلح و امنیت در برابر جهان راه مایه یک وظیفه استراتژی در پیش پای کمونیست‌ها قرار می‌دهد. و از آنجایی خواهد که از وقوع جنگ جهانی جلوگیری نمایند.

لنین می‌گوید: "جنگ مولود ازاده شرارت بسیار سرمایه داران درنده خونست گرچه بدون شک منته به نفع آنها انجام می‌گیرد و فقط بر ثروت آنان می‌افزاید. جنگ مولود تکامل نیم قری سرمایه جهانی و میلیاردها رشتت و ارتباطات اقتصادی است. بدون برانداختن قدرت سرمایه بدون انتقال قدرت دولتی به طبقه کارگر یعنی پرولتاریا نمی‌توان از جنگ امپریالیستی بیرون جست و نمی‌توان به یک صلح دموکراتیک و غیرتحمیلی ناائل آمد."

(مجموع آثار لنین ص ۴۶۱)

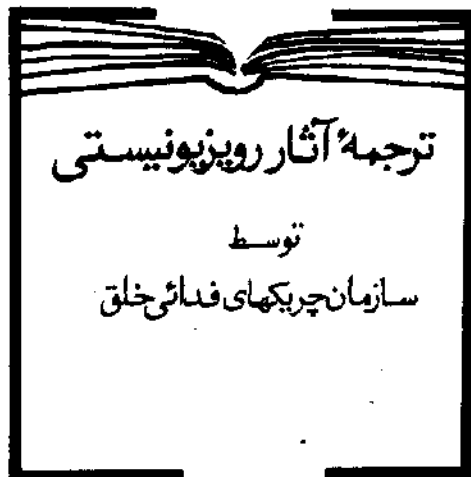
یعنی در حقیقت تازمانی که امپریالیسم وجود دارد جنگ میان آنها برای تقسیم مجدد زمین اجتناب ناپذیر است. از طرف دیگر تضاد میان سیستم سوسیالیستی و امپریالیسم تضاد طبقاتی، تضاد بورژوازی و پرولتاریا می‌باشد و تنها راه از طریق سرنگونی بورژوازی در هر یک از این کشورها به قدرت رسیدن بیرون یاری است که می‌توان از خطر بروز جنگ جهانی جلوگیری بعمل آورد و به این ترتیب می‌توانیم شعار بلشویکیا تنها شعار صحیح در هر شرایطی است.

کتاب درباریه مضامین به تبلیغ گذار مسالمت‌آمیز نیز پرداخته و علناً به دفاع از رویزونیستهای خروشان برخاسته است. از آنجا که قصد ما در این مقاله نقد یکایک مواضع انحرافی رویزونیست می‌باشد در کتاب (امری که پرداختن به آن راه آینده موهول می‌کنیم) بلکه تنها نشان دادن گرایشات رویزونیستی و رشد پاینده رفقای فدائی می‌باشد از بررسی بیشتر کتاب اجتناب می‌ورزم ولی بدلیل آنکه رفقا با ترجمه کتاب دیگری از جمله "وقتی زنان بورژوازی به خیابان می‌روند و باز هم به دنبال رویزونیست‌ها روان گشته اند خطرات انحرافات آنان به نحو بارزتری تجلی می‌یابد. رفقا انتشار کتاب "وقتی زنان بورژوازی به خیابان می‌روند" به آینده کاملاً همانند همه رویزونیست‌ها برخورد می‌کنند. آنان دلیل شکست‌ناپذیر و موفقیت‌آمیز امپریالیسم در انجام کودتا را اساساً نه به دلیل آنکه آنده می‌خواست دولت را از بالا تصرف کند و از گرد کردن ماشین دولتی وحشت داشت بلکه همه را در رابطه با توطئه‌های امپریالیسم می‌بینند و همانند رویزونیست‌ها آب تطهیری بر رفرمیسم بورژوازی آکنده می‌ریزند.

همچنین نیست که دانشجویان "دمکرات" در روزی باره خود به تبلیغ کتاب له‌وان منتشر شده از طرف سترمار چریکیا فدائی خلق پرداخته اند. اگر این اعتقاد دمکرات‌ها را از انتشار این کتاب در کشور تبریک و تهنیت‌های خاشاکین حزب توده به رفقا فدائی بدلیل مواضع انحرافیان قرار دهیم آنکه می‌توان تنها به این رفقا گوشزد کنیم که نسبت به این دمجنیت‌های رویزونیستی تفاوت نبوده و آن را سیستم عنوان هشدار می‌دهد و خود و زندگی خطری نسبت به دیدگاه‌هایشان بحساب آورند. ●

و آن را اصلاح می‌نمایند! شرکت اخیر فقط در انتخابات ریاست جمهوری تنه بهترین وجهی عدم درک آنها از مرز بندی بورژونیسم بورژوازی ثابت می‌کند. آنها از سویی پارلمانتاریسم تصرف قدرت دولتی از طریق انتخابات به جای درهم شکستن ماشین اداری و جنگی دولت را نمونه ای از رویزونیسم دانسته و رفرمیست‌ها را در حرف به یاد افتاد می‌گیرند و از سویی دیگر با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری علناً "ذهن توده‌ها را از مسیر مبارزه اصلی و واقعی منحرف ساخته و به دنبال استفاده از شیوه‌های رفرمیستی و بورژوازی می‌کشاند. آنان به این وسیله بار امن زدن به توهم توده‌ها و ایجاد ساختنشان به تصرف قدرت از بالا یا در یکباره نام نظریات رویزونیست‌ها در غلطی نهاده و نه تنها روی از خرد بورژوازی برداختند.

ترجمه کتاب "تقویت همبستگی و وحدت نظری و ضروری بسوی موفقیتها" بیشتر - له‌وان "نیز نشان داد که



رفقای فدائی علاوه بر تبلیغ رویزونیست‌های خروشان تبدیل گشته اند. این رفقا که حداقل تاکنون در نوشته نگردند (اکنون که رویزونیست این تزه‌ای را پرداخته

و نمود ساختن آن به عنوان مرحله ای جدید به توجیه نظریات ضد مارکسیستی خود پرداخته است. رفقا که خود در کارنامه "۲۷" از همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان یک نظریه اشتی طبقاتی و در حقیقت همدستی با امپریالیسم نام برده و نوشته اند: رویزونیست‌ها با تحریف اندیشه لنین و وارونه ساختن جوهر سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز لنین و دیگرسر رهبران حزب بلشویک مایه نفی انقلاب و تبلیغ گذار مسالمت‌آمیز برخاستند. و از قول لنین می‌گویند:

"تحمل وجود جمهوری شوروی در کشورها و دولت‌های امپریالیستی برای مدتی طولانی در زوال است. سرانجام روزی فرا می‌رسد که یکی باید به دیگری پیروز شود. تا وقتی که چنین روزی فرا نرسد وقوع هژمونیکترین جنگ‌ها میان جمهوری شوروی و دولت‌ها سرمایه‌داری اجتناب ناپذیر است.

اکنون با ترجمه این کتاب بر همه آن نظریات خط بطلان کشیده و همزمان با کتاب می‌گویند: همزیستی مسالمت‌آمیز مسلماً "بامانع‌بنیادی همه ملل و همه نیروهای مترقی و بشریت صلح دوستی و نظامت دارد" و یا "در شرایطی که جهان به دو سیستم سوسیالیستی و سرمایه‌

داریزونیسم ورشد باید تئورزی بورژوازی در د و جنبش کارگری نه یک پدیده عادی بلکه نشانده اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی درون جامعه می‌باشد. لنین در توضیح این مسئله که چه عامل رویزونیسم را در جامعه سرمایه داری ناگزیر می‌نماید می‌گوید: "در هر کشور سرمایه داری در درون یک پرولتاریا همواره فشرده‌ای وسیع خرد بورژوازی و صاحبکاران کوچک قرار دارند. سرمایه داری از تولید کوچک بوجود آمده است و دائماً بوجود می‌آید، یک سلسله، فشرده‌ای متولد می‌شود، ناگزیر می‌دهد، بوسیله سرمایه داری بوجود می‌آیند. این تولید کنندگان کوچک جدید هم ناگزیر می‌دهد، عفو پرولتاریا را برتاب می‌گردند. کاملاً طبیعی است که همان سینی خرد بورژوازی با سازمان رصوف احزاب وسیع کارگری رخنه

از میان این مطلب بدینجامی رسم که هر سازمان حزب مایل چنانچه مبارزه با نفوذاید تئورزی بورژوازی را در همه ابعاد میانی - اید تئورزیاتان به پیشکش نبرد و چنانچه بوسیله یک مبارزه اید تئورزیاتان به پیشکش و مداوم از این صلاح طبقه کارگر برای غلبه بر ریشه کسین نمودن همه سموات طبقات غیر پرولتاری یعنی اندیشه‌ها بورژوازی و خرد بورژوازی در درون صفوف خود مسود تجوید به انسانی طبقه کارگر را به امان انواع و اقسام دشمنان و ناگزیری که همگی در پیش مارکسیسم بسوی حمله می‌کنند خواه یافتند.

ما تاکنون در مقالات گوناگونی عدم مرز بندی دقیق رفقای فدائی را با رویزونیسم نشان داده ایم. مسالمت رفقا نسبت به رویزونیسم نه به مثابه اید تئورزی بورژوازی که با تبلیغ دشمنی اشتی ناپذیر طبقه کارگر را در بلکه به صورت یک انحراف کوچک درون جنبش کمونیستی می‌باشد. علماً چنانچه در یکی جزئیات رنگ آمیزی رویزونیسم پرداخته و ذهن توده‌ها را از درک میزان خطر آن منحرف نماید چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

بدیهی است که مواضع رفرمیستی رفقا همواره ثابت باقی نمانده و به سوی پرولتاریا با بورژوازی مستکبر می‌نمایند پس از قیام تاکنون رشد گرایشات رویزونیستی در میان رفقای فدائی رویزونیست‌گرده است. این رفقا پس از قیام با حمایت از بورژوازی لیبرال علناً "به دنبال اندیشه‌های لیبرالی روان گشته و درک محدود خود را از آزادی‌های دموکراتیک به نمایش گذارند و نتوانستند همین جندی پیش جنبه دموکراتیک ملی را به عنوان یک نیروی چپ ارزیابی می‌کردند. همچنین رفقای فدائی با عنوان اینکه عامل اصلی گسترش و سرکوب خلق‌ها و نیروهای مایل مرجعین قشری و نه لیبرال‌ها هستند، علناً "بورژوازی لیبرال خائن را زینبار حمله بدر آورده و تاج اصلی را متوجه خرد بورژوازی سستی نمودند: سیاست آنان (یعنی توده‌ای‌ها) از قیام تاکنون - عده کردن مبارزه علیه لیبرال‌ها و کوشش در جلب سبب طوفان و سازش با طرفداران ولایت فقیه بوده است و از آنجا که نیروی عده سرکوب چپ در شرایط فعلی نه لیبرال‌ها بلکه همین جناح قشری افراطی بوده است لذا ... (کارنامه ۳۳ ص ۲۲)

"سوسیالیستی" ارزیابی کردن شهری در حالیکه خود به رویزونیسم عقیده دارند جلوه دیگری از عدم شناخت رفقا از رویزونیسم می‌باشد. با چنین ارزیابی کاملاً واضح است که آنها به رویزونیسم به مثابه پدیده ای طبقاتی نمی‌نگرند بلکه تنها نشانه نظریات اشتباه آمیز عده ای مارکسیست - لنینیست می‌دانند که "به مرز میان نیز به اشتباه خود برده



زنده باد لنینیسم ! (۳)



با سخی به مقاله روزیونیستهای
نزدی و حزب توده و همزمانی در دنیا

ع - مسأله تضادها

روزیونیستهای توده ای در مقاله خود "حزب توده
هژمونی پرولتاریائی گویند : " در این دوران و در این
بان هژمونی پرولتاریا در هر کشور جداگانه نمی تواند از
هژمونی جهانی پرولتاریا و نیروهای ضد امپریالیستی
ضد سرمایه داری جدا باشد در مقیاس جهانی
هژمونی پرولتاریا " من شده است . . . در این
بان پرولتاریائی جهانی و فرزند پرورند آن اتحاد شوروی
یارد وگاه سوسیالیستی در مجموع خویش ، این اندیشه
علی مارکسیستی - لنینیستی را راهنمای عمل
خود قرار دادند که پرولتاریا باید از هر جنبش انقلابی
حمایت کند پیشتر گفتیم که " تا " من هژمونی
جهانی پرولتاریا را " پیش نیست و گفتم این ادعا
یعنی نقی انقلاب و جلوگیری از مبارزات طبقه کارگر -
کشورهای تحت سلطه به بهانه هژمونی جهانی -
پرولتاریاست چرا که روزیونیستهای مأمتمدند
که : " در این دوران نوین و در این تضاد فواید که
در انقلابهای ضد امپریالیستی کشورهای امپریال
مقوله ای نظیر رهبری خرده بورژوازی پدید می آید " .
(همانجا) آری ، روزیونیستهای گویند زمانه
عوض شده است و چنین است که همه چیز آنان در
ارد وگاه سوسیالیسم ؟! ! ! حل میشود و دیگر نیازی به
رهبری طبقه کارگر نیست . امثالین می گفت : " انقلاب
یک عصر نوین لنینی ، عصر انقلابهای مستعمراتی
را افتتاح نموده است که در کشورهای مستعمره جهان
در اتحاد با پرولتاریا و تحت رهبری پرولتاریا انجام
خواهند گرفت . " (جنبه بین المللی انقلاب اکثر
منتخب آثار جلد اول ۱۹۹۹) .

آری لنینیستهای رهبری طبقه کارگر سخن می گویند -
روزیونیستهای گویند تا با امپردن رهبری به -
خرده بورژوازی از انقلاب جلوگیری کند . ام -
به چه بهانه ؟ به بهانه " تا " من هژمونی پرولتاریا -
و به بهانه تضاد اساسی جهان تضاد میان ارد وگاه
سوسیالیسم و امپریالیسم . ما در این بخش نشان -
خواهیم داد که این بهانه چه خدمتی به امپریالیسم
می کند و چگونه می گویند تضاد خلقها " امپریالیسم
را یافنی کرده یا حل آنرا گزینال یک مسئله خارجی
یعنی وابستگی به " ارد وگاه سوسیالیسم " ؟ ! حل
کند .

در نامه حزب کمونیست شوروی به حزب کمونیست چین
مهر ۳۰ مارس ۱۹۶۳ چنین می خوانیم . تضاد

میان سرمایه داری و سوسیالیسم تضاد اساسی دوران
ماست ، سر نوشت صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم
بالمز قاطع وابسته به فرجام مبارزه میان دسیستم
جهانی است .

پس بدین ترتیب بقول جوانشیر روزیونیست می توان -
مهمترین مسائل معاصر را بطرز زیر بنیاد صلح ، -
دموکراسی و سوسیالیسم حل کرد (مائوئیسم و آزادی
آن در ایران ص ۴۹) آیا واقعا " حل مهمترین مسائل
معاصر وابسته به فرجام مبارزه شوروی و دیگر امپریا -
لیستهاست ؟

می دانیم که صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم
صادراتی نیست و خلقهای خود یک کشور -
بمبارزه بی امان و قهرآمیز ، آنها را به ارفغان
می آورند اما چرا بدین ترتیب روزیونیستها انقلاب
را در کشورهای دیگر نمی گویند ؟ یا شرح تضادهای
اساسی جهان پاسخ این سؤال را خواهد داد .

لنین و امثالین این تضادها را : تضاد بین -
خلقهای متحد شده و امپریالیسم و تضاد بین -
کشورهای امپریالیستی دانسته اند . روزیونیستهای
ما با طغرنفی انقلاب در در کشورها چنانکه -
گفتم تنها تضاد میان سوسیالیسم و امپریالیسم
را برادر داشته (و عجبا که خود را سوسیالیست نمیز
می دانند .) و دیگر تضادهای اساسی یعنی
خلق و امپریالیسم و بورژوازی و پرولتاریا را نقی می کند
و معتقد است که این تضاد ما را گزینال این تضاد حل
می گردد . (جالب اینجاست که روزیونیستهای
خائن حاکم چین نیز تضادهای اساسی جهان را -
مخدوشی کشیده چرا که اساسا " روزیونیسم پاینده
حفظ شایع امپریالیسم در صفوف پرولتاریاست و تزه های
خود را بر مسخره یونانند تضاد خلق با امپریالیسم
بورژوازی با پرولتاریا قرار میدهند روزیونیستهای
خروشیقی این امر را عنوان کردن یک تضاد

اساسی در جهان بیان می کنند آنها -
تضاد خودشان با امپریالیسم ؟ ! روزیونیستهای
چینی با تضادهای مسخره جهان اول و دوم و سوم
بباید بگره اساسا " تضاد خلق و امپریالیسم
می زنند و بورژوازی و پرولتاریا در این تزه -
روزیونیستی لگد مال شده و تضاد میان کشورهای
جای آنرا میگرد و شعار فاشیستها ، امپریالیستها
غرب ، نفوذ آنها و مرتجعین هر جا که هستند -
مبارزه با سوسیال امپریالیسم گردد ببا یکجای حل
تضادهای اساسی عالم می نشیند . جالب اینجاست
که روزیونیستهای در نهایت به یک جا ختم میشوند .
روسیا تضاد را میان خود و امپریالیسم غرب میدانند
که باید همه چیز در خدمت آن باشد . و به جهانها
در آخرین تحلیل تضاد را میان امپریالیسم غرب و -
سوسیال امپریالیسم می بینند . در هر دو وابسته

خلق و پرولتاریا گم می شود ! بدین ترتیب انقلاب
خلقهای تحت ستم معده ارد وگاه سوسیالیسم
(!) گذاشته میشود . ارد وگاهی که با سابقه
مسائلت آمیز اقتصادی و مسائلت آمیز راه رشد -
غیر سرمایه داری معاد را برای این بدبختهای -
مفلوک ! که قادر به انقلاب نبوده و بدستشان
ناجی انسانها یعنی اتحاد شوروی چشم دوخته اند
به ارفغان می برد .

نه ! هزار بار نه ، روزیونیستهای خائن شما هر قدر
بکوشید نخواهید توانست واقعیت یعنی جهان یعنی
تضاد میان خلقها و امپریالیسم و بورژوازی پرولتاریا
را نقی کنید . آری انقلاب کار توده های رز مند
مبارز جهان است و آنها احتیاج به قیم ندارند .
خون پاک ملتونها خلق مستعدیده گواهان
این تضاد و گواهان انقلابی است که بر روشهای
زخم خورده خلقها تکیه دارد نه بر سر نیزه سوسیال -
امپریالیسم روس . چنین سعادتهایی که سوسیال
امپریالیسم به ارفغان می آورد ، حتما از سوسیال
افغانستان - آریتره - اتیوی و . . . خواهد بود .



مأمتمدن با وجود این تضادهای اساسی -
که شمر دیم در لحظه " کونی تضاد معده و مرکزگر هسی
تضادهای جهان تضاد میان خلقهای متحد شده
و امپریالیسم است . در نامه ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ حزب
کمونیست چین به حزب کمونیست شوروی بدسترس
گفته می شود :

۱ - نواحی وسیع آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین نوایی
است که تضادهای گوناگون جهان کونی در آنجا
متمرکز شده و ضعیفترین حلقه زنجیر سلطه " امپریال
لیسم است و نواحی معده طوفانهای انقلاب -
جهان می باشد که در حال حاضر ضریات مستقیم
بر امپریالیسم وارد میازد .

۲ - نهضت انقلاب دموکراتیک ملی در این نواحی
و جنبش انقلاب سوسیالیستی جهانی دوجریان کبیر
تاریخی معاصر است .

۳ - انقلاب دموکراتیک ملی در این نواحی
قیمت مهمی از انقلاب پرولتری جهانی دوران معاصر
است .

۴ - مبارزات انقلابی ضد امپریالیستی خلقهای آسیا ،
آفریقا و آمریکای لاتین ضریات جدی بر میان حلقه
امپریالیسم و استعمار نوین و کبیر وارد میازد و آنسرا
تضعیف می نماید و این مبارزات نیروی بر قدرت دور
معاصر برای دفاع از صلح جهانی می باشد .

۵ - بنابراین تا اندازه ای امر انقلابی پرولتاریائی
بین المللی در مجموع خود واقعیت به مبارزات انقلابی
خلقهای ساکن این نواحی که اکثریت مطلق جمعیت
جهان را تشکیل میدهند وابسته می گردد . ۶ - بگنا

ترتیب مبارزات انقلابی ضد امپریالیستی خلقها -
آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین به پیچیده مسئله

روزیونیستها را افشا و طرد کنید



خاتین حزب توده استاد مدنی جلاد هم در آید و گذشته از آنکه وابستگی دانشجوین پیرو خط امام را به بخشی از هیئت حاکمه اثبات کرد، چرا که درست در مجموعه انتخابات دست

فرزاد، انکار کردی منتهی مادران
به طبقه کارگر هشدار می دهیم

نزد مبارک حزب
خواران توین خندان



به این اشتراکی زدند، درحالیکه چند ماه است این استاد را در اختیار داشتند. (بگذریم که جناح وابسته به امپریالیسم آنقدر پشتش محکم است که نگذاشت تبلیغات وسیعی در بین مردم به راه افتد و حتی کاندیداتوری این جاسوس آمریکا نیز لغو نشد!) حقانیت کمونیستها و نیروهای انقلابی که این مزدور را از آغاز افشا کرده بودند، باز هم و باز هم بتوده ها نشان داد. افشای این مزدور آمریکائی بواقع پرده از روی روینویستهای خائن تودهای که از آغاز به تحسین و تمجید جلاد خلق عرب و مدح شاهنشاه ۱ و جاسوس آمریکا پرداخته بودند، برداشته و نشان داد که نوکران سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم علیه توده ها وحدت دارند.

در مردم ضد مردمی شماره ۴ بتاريخ ۱۵ فروردین ص: هنگامی که مدنی از وزارت برکنار شده بود میخوانیم که مردم از این مسئله تعجب کرده و به حمایت از او برخاسته بودند. این تعجب در بیانیه ها و نظاره های مردم به طرفداری از سرلشکر مدنی در تهران بخش و برپا کردند بخشی قابل درک و احساس بود پس از انتشار خلق عرب توسط استادان جدید، در ۱۴ خرداد از مدنی مزدور که می آورد و از او حمایت می کند (مردم شماره ۲۲) "و طایع حار ایران بعد از پیروزی انقلاب از همین سرچشمه آب میخورد. گنبد، نقده و اکنون خوزستان به بهانه حق ملیتیا، به آتش و خون گشوده شده است... امپریالیسم یانکی، که انقلاب شکوهمند مردم ما مواضع اثر در مردم شکسته، و اکنون با تیرام نیرو در همه جاذبه ها در خوزستان سرگرم فعالیت است (میدانیم که مزدوران توده ای مبارزات خائنها قهرمان میهن را بدین وسیله به امپریالیسم نسبت می دهند)... واقعیت توطئه امپریالیسم را در خرمشهر تیمار مدنی استادان خوزستان با اعلام اینکه در این استان عرب و عجم روبروی هم نیستند، این امپریالیسم است که دست به توطئه زد افشا کرد. (شماره ۲۲ ص: ۶) در ادامه حمایت از مدنی مزدور در مردم شماره ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱



دانشجویان و زحمتکشان پیوند می‌خورند:

انقلاب ادامه دارد. توده‌های زحمتکش خواستهای اساسی که برای آن مبارزه کردند دست نیافته‌اند و اینک در پی درگیری برای گرفتن حق خود بر می‌خیزند. با چهره حقیقی رژیم که در لایه‌ی زور و غارت (مذهب) پوشیده شده است و می‌کوشد که خود را سمبل (عدل علی) قلمداد کند، رهبر و پیشروند. ماسک‌های درد و توبه فروغوا در بخت هیئت خاکه ضد خلقی تاکنون در مقابل توده‌ها در یک دست سلاح و عده و عید گرفته و در یک دست سرکوب و تهدید و ارعاب. نگاه که عده و عید کارکنانی افتد رژیم دست به سرکوب می‌زند در این راه از تبه‌کاران و احساسات پاك مذهبی توده‌های تاکیه سود می‌جوید.

رژیم تاکنون هر حرکت انقلابی را بحساب جلوگیری از تثبیت جمهوری (اسلامی) گذاشته و بر آن مبنای ضد انقلاب کوبیده است. و اکنون نیز در این مقلع انبساط گویای تبلیغاتی خویش بوی و کرنا برداشته است که هرگونه حرکت حق طلبانه فضل برای بهم زدن انتداب ریاست جمهوری است. از آن اکنون رژیم به این ربهان نجات آفرین شده، اما مبارزات توده‌های زحمتکش لبنان در دستم خواهد بود.

سرکوب و حبشانه‌ای که این هفته از جانب رژیم در ارتعاب با صادره خانه‌های سرمایه داران و استیست‌ها انجام گرفت، بر این واقعیات پیکار دیگر تاکید داشت. واقعیه‌ای که آن را نقل می‌کنم و گزارش است از جریان یک سرکوب، که چهره رژیم را هر چه بیشتر افشای کند.

ساعت ۵/۴ بعد از ظهر روز جمعه مجلس از زحمتکشان کویت نشین، ساختمان و طبقه‌ای واقع در جنب خیابان جلالزاده - آزادی را صادره نمودند. آنان کشته

از پیر می‌سکنی به تنگ آمده بودند. و از آنهمه عده و عید هم چیزی حاصلشان نشده بود. خود

و نگاه که پاسداران با عده و عید های همیشگی به

مروغشان آمدند فریاد زدند:

کوچ نشین پیروز است، کج نشین نابود است.

مسکن، مسکن، نیازمندان، این خانه‌های

خاکستری حق مسلم ما است.

مقاومت آنان پاسداران را عقب نشاند. از عده و عید

و عید دست برداشتند و در ساعت ۷/۲۰ محوطه

ساختمان را تاراج کردند. گود نشینان، مردم و دانشجویان

با مردمی که در اطراف ساختمان گرد آمده بودند

صحبت می‌کردند و لایل مبارزه خویش را برای

تنها توضیح می‌دادند. اما، پاسداران بازگشتند

و آنان سلاح دیگر خود را آورده بودند و دست خود

را روی کردند. هرگاه آنها عده‌ای بالا نژهره‌ای که

قبلاً در بهم زدن میتینگ‌ها و تظاهرات انقلابی

آزموده شده بودند حرکت می‌کردند.

خیابان را بستند و مسلحانه در مقابل ساختمان ایستاد

حال، مبارزه آغاز شد. در یکسو پاسداران و فلا نژها

که بخش از مردم تاگاه و نیز بهیج کرده بودند

صف آرائی کرده و شعار می‌دادند: حزب فکس

حزب الله و در سوی دیگر زحمتکشان بودند که همراه

دانشجویان انقلابی می‌فریدند: اتحاد، اتحاد

طبقه سرمایه دار، جاسوسان آمریکا، حامی سرمایه دار

ندادن آب و نان حمله سرمایه دار.

و مردم و دانشجویان شعار می‌دادند: اقدام گود

نشینان مورد تاکید است. گود نشین پیروزیت

مبارک.

پاسداران و همراهانش برای وارد نمودن مردم به ترک ساختمان سخنرانی می‌کردند. اما حاصلش نشانی و همین مسئله آنان را واداشت تا به آخرین سلاح خود پناه ببرند. تیراندازی هوایی و پرتاب گاز اشک آور شروع شد. پاسداران از هیچ حرکت غیر انسانی فروگذار نمی‌کردند، فحشهای رکیک می‌دادند و وحشیانه تیراندازی می‌کردند. اما هر چه آنان و میخانه ترعل می‌کردند جمعیت انبساط جوی ساختمان فشرده ترمی شد و شعارهای گود نشین بیشتر بالا می‌گرفت. آنان فریادی زدند:

پاسداران نشان بده، تودای کی هستی؟

اما بروی پاسخ ریافتند. و خود بیان کردند:

پاسداران کشته، حامی سرمایه دار

آری، حرکت پاسداران پوششی نشان می‌داد که

از به کسانی حمایت می‌کنند. با پرتاب شدید گلوله

اشک آور، مردم با جبار پلاکاردها را تیش می‌زدند

و شعارهای لعین می‌افکند:

گود نشین، گود نشین، اتحاد سلاح محکم است.

اقدام گود نشینان نیز در برابر آنهاست.

آری این زحمتکشان هستند که امپریالیسم بواقع

می‌جنگند. چرا که تمامی منافع آنان در نابودی سرمایه

داری وابسته است.

صدای تیراندازی هوایی و گاز اشک آور فضا را پر

کرده بود. بسیاری از جمعیت از این فرصت یکس

از مبارزینی که شناسائی کرده بودند در دستگیری

و وحشیانه به کاربند انداختند. در همان نزدیکی

و با همین عده‌ای کشته، اختلاف انداخته شدند.

تعداد زیادی از دانشجویان و دانش آموزان همان

نیمپ از کت خورن های فراوان آزاد شدند و پس

از فرار دانشجویان دختر نیز هم در امارت پاسداران

بسمی برند.

یکی از پاسداران می‌گفت: در ساعت ۳/۵ علیات

در واری بخوبی پایان یافت!!

پاسداران بد اخلاق ساختمان رفتند و عده‌ای را

دستبند آورده و به سروفت زندها رفتند. زندهای

زحمتکش غیرممانه مقاومت می‌کردند. یکی از پاسداران

وحشیانه دست زنی را می‌کشد. شوهر زحمتکش که

دستبند دست داشت، فریادی زد: بزدل

دست زن حمله است. زنان می‌جنگند و پاسداران

تیراندازی می‌کردند. و در خانه در خیابان اعلام

می‌نمودند که از داخل خانه امکان دارد مسلحانه حمله

شود. و با اختلا تحت محاصره است. چه بهر من

حضرانه ای! و توده‌ای غای کثیف هم در میان

جمعیت آسود خیابان، با اتحاد توانستند تلبه‌ات

و میاش برای لوذ کردن حرکت توده‌های زحمتکش

بودند. ننگ بر آنان یاد!

در روز نشین درگیری ادامه داشت. و جمعیت

شمار می‌داد حدود ساعت ۱ پاسداران رفتند، انتظار

زیاد طول نیانجامید و بعد از مدت کوتاهی تعداد

مهاجرتی که با آنها شخص عمل می‌کردند چشید

برابر شد. ساعت حدود ۳ بود که هجوم پاسداران دیگر

بار آغاز شد. تیراندازی و شلیک گاز اشک آور دیگر

از برگرفته عده محوطه جلوی ساختمان کاملاً محاصره

درآمد. تیراندازی‌های آن منجر به مجروح شدن

چند تن از مردم و دانشجویانی که به حمایت

از گود نشینان در اطراف ساختمان احتیاج کرده بودند

گردید. تعداد مهاجمین هر لحظه افزایش می‌یافت

و پورهای مدت می‌یافت در داخل ساختمان روحیه

زحمتکشان بسیار بالا بود. هنگامی که گاز اشک آور پرتاب

می‌شد. زندها و حتی بچه‌ها حاضر بودند

که با تاقهای بالا بروند، همه در سالن اجتماع کرده

بودند. هرگونه خانه، عرصه‌ای از مقاومت نبود.

پاسداران بار دیگر وعده و وعید متوسل شده بودند. و سعی می‌کردند مردم را به خروج از ساختمان ترغیب کنند و از سوی دیگر با سمایی و دروغ تا حد بیشترین دروغها بالا رفته بود. توانسته بودند گروهی از مردم تا آگاه را بسج کرده و در مقابل زحمتکشان داخل خانه فرار دهند.

تمامی این مسائل بسبب شد که با وجود مقاومت وسیع زحمتکشان، پیروزی بودگامی بود درجه‌ست شناخت بیشتر. هر مبارزه پندی می‌آموزد. جمع بندی این تجربه پشتوانه گامهای بعدی است. این مبارزه یک پیروزی بود. و دانشجویان نیز از این پیروزی بسیار چیزها آموختند هرگاه این مبارزات جمع بندی شود. نقاط ضعف آن بررسی گردد و مظهر واضح درس آموزی شود گامهای بعدی پیروزیانه تر خواهد بود.

یک درد دل کوچکی



ما خواهیم در ارتباط با کارمان در نشریه با شما گفتگو کنیم. شما باید این کار را به درایت صورت می‌گرفت. اما اکنون نیز لازم است. نشریه ما که می‌خواهد به ارتقا جنبش دانشجویی به گسترش آن باشد. انقلابی مارکسیسم-لنینیسم در میان دانشجویان و به گسترش هر چه بیشتر جنبش دانشجویان بسوی زحمتکشان و به ویژه طبقه کارگر باری رساند. سخت به همکاری تمامی رفقای دانشجویان است. این همکاری یک نیاز حیاتی نشریه است.

زیرا مطالب این نشریه به ویژه در زمینه‌ها آنچه در دانشگاهها جریان دارد آگاز. واقعیت بهره نگیر و تغذیه نشود، نمیتواند درد گرگون کردن واقعیت موثر باشد. هر یک از شما به تراز این مسئله را می‌دانید. به همین دلیل است که شما باید با ما در ارتباط باشید. این ارتباط میتواند ماراد شناخت گسترده و عمیق واقعیات باری رساند.

این نشریه تنها محصول کاری جمع، یک هیئت تحریریه نباید باشد. این نشریه می‌باید بر ارتباطات توده‌ای استوار باشد. و هر یک سوی این رابطه شما هستید. این وظیفه هر یک از رفقا است که در ارتباطات حیاتی بکوشند. آنچه که شما برای ما می‌نویسید، اخبار گزارشات، تحلیل، نظریات و انتقادات خون تازه در رگهای نشریه جاری خواهد کرد و جایگاه اصلی آن را بدان خواهد بخشید.

ما صراحتاً از شما می‌خواهیم که برای ما بنویسید و با ما ارتباط بگیرید. نه به رابطه یک رابطه ژورنالیستی، شما با ما به مانند یک رفیق رابطه برقرار کنید و در درون این رابطه رفیقانه، هر دو رشد خواهیم کرد. خواهیم با یکدیگر خواهیم گسترش کرد.

با درودهای آتشین رفیقانه

گزارشی از سخنرانی یک رفیق مبارز افغانی، درباره اوضاع افغانستان

روز چهارشنبه ۱۳۸۶/۱۰/۰۸ مراسم سخنرانی تحت عنوان در افغانستان چه می گذرد؟ از طرف انجمن جوانان و دانش آموزان هواداران پیکار راه آزادی طبقه کارگر در دانشکده فنی برگزارید. این سخنرانی که توسط یکی از انقلابیون افغانستان انجام گرفت درباره "تجاوز سوسیال امپریالیسم" و به افغانستان و کشور خلق افغانستان بود. رفیق آن به نقش نیروهای مختلف و موضع گیری های اشاره شد. رفیق سخنران ضمن اشاره به کشتار لوی توسط سوسیال امپریالیسم و وابستگی آن به اخلای پرده از اتحاد ارتجاعی چین و امریکسا داشت و همچنین به نقش نیروهای م - ل در این بخش اشاره کرد.

بین سخنرانی دانشمندان با جنبش خلقی افغانستان نقش موثری داشت زیرا که روزیونیستهای مائو حزب توده چنین تبلیغ کرده بودند که گویا تنها رانجا در یک طرف فتود الهیاد و طرف دیگر سوسیالیست های ترقی (ا) (که البته هر یک دولت ملی را خائن و وابسته به امپریالیسم معرفی می کند) وجود دارند. سخنان پیکار کارل نیز که بر روی تار ضبط شده بود در آخر مراسم پخش گردید. قبل از برگزاری مراسم موضوعی اتفاق افتاد که یار دیگر چپ "سره" کریم افغانی توده ای را به نمایش گذارد. به این ترتیب که روزیونیستهای خائن که از همان گفتش جنایات سوسیال امپریالیسم به وحشت افتاده بودند در فوری دست بکار شده و روز قبل از مراسم از طریق نوشته ای که در زود یوار دانشگاه ها زده و همچنین با پخش اعلامیه بایبانه اینکه این سخنرانی توسط همان سازمان انقلابی در زور نام سازمان پیکار ... انجام می گردد و هدفش منحرف کردن مبارزه ضد امپریالیستی توده ها است ضد اخلال در مراسم سخنرانی داشته و از سایر گروه های دانشجوئی نیز کمک بطلبیدند. ولی همانچنان که انتظار می رفت این فراخوان خائنانانه میزدلان آنها خود وسیله دیگری در جهت شتابانیدن چهره و اقصای آنان به دانشجویان بوده و موضوع گروه های مختلف دانشجوئی در قبال این مسئله مشت محکمی بر دهان این یاهو گویان زد.

این دانشجویان با اصطلاح در مکررات که همه جا صحبت از منطقی و اصول زده و سعی می کنند که خود را به عنوان طرفداران آزادی های دموکراتیک و مخالف با ارباب و زور جا زنند با این عمل خود ماهیت واقعیتی خود را که در صورت امکان دست مرتجعین فلا توار نیست انبشت می بندند نشان دادند. آنها که همین چندی پیش به سخنرانی روزیونیستهای "سه جهانی" با اشت و لگد و کمربند حمله کرده بودند با مغزهای خنک هیچگاه شان برای سخنرانی مانیز چنان نقشه ای در سر بر نداشتند بودند فافل از آنکه تنها یک نکته کوچک آری، یک نکته کوچک را از نظم انداخته بودند و آن اینکه "اولاً ما را روزیونیستهای خائن سه جهانی" که برادر و رفیق خودشان می باشند موضی گرفتار شده بودند و ثانیاً اینکه محیط دانشگاه و دانشجویان این اهاغان جدید الیوارده را سرچاپشان خواهند نشاند در این رابطه نوشته ای از سوی دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر فنی تهیه شده که در قسمت های آن چنین آمده بود:

"این که زنان حزب توده (نور سوسیال امپریالیسم

رومن و متحد در روز جناح واقع بین رژیم ضد خلقی شاه فراری که تا چندی پیش در استان رژیم پهلوی م میچنداند و امروز نیز بنابر ماهیت روزیونیستی خود سالی لودانه لباس زهد و تقوی بر تن کرده و در استان قدرتمند جدید م میچنداند. کوچکتر از آنکه امروز سال در بیابانند و مانع از برگزاری مراسم سخنرانی نیروهای انقلابی و مبارزی گردند که سابقه مبارزه در سبانه ترین سالهای خفقان پهلوی دارند، مبارزه در زمانی که این میزدلان ترسو در خانه های "مطالباتی" خود غریزه بودند و هرگونه فعالیت انقلابی و مبارزاتی دانشجویان و نیروهای انقلابی را تحت عنوان "ماجرای جویی" و "تندروی" تخلیه میکردند! ...

"... ماعلا و به بر محکوم کردن هر نوع برخورد خشونت آمیز فیزیکی در محیط دانشگاه اعلام می داریم که نسه تنهای هیچگاه نبودید و ارباب از جانب هر نیروی ضد خلقی چه از قشای توده ای ها و سه جهانی ها و نیروهای ارتجاعی دیگر نخواهند توانست کوچکترین وقفه ای در جنگی فعالیت های نیروهای انقلابی فرا هم آورد بلکه بنوع خود قاطع تر از همیشه در جهت مبارزات ضد امپریالیستی توده ها تمام نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی را افشا خواهیم ساخت."

همچنین گروه های مختلف دانشجوئی مانند دانشجویان مبارز، دانشجویان هواداران کارگر ستار هنگی علی نوشتن مطلبی به افشای مرتجعین "مکررات" نامید و اخذت. ولی موضع گیری دانشجویان به شکم در این مورد اندکی قابل بحث و بررسی است.

این رفقای خلقی حتی که نوشته بودند بجای آنکه هدف همه نوشته شان اعتراض به سخنان مرتجعانانه دانشجویان در مکررات بوده و آنان را که با وقاحت تمام از خشی کردن توطئه های مایور قند افشا نمایند خود علقا به دام آنها افتاده و سخنرانی را محکوم نمودند. البته آنها به این مطلب اشاره نمودند که از آنجا که ما این گروه را از مقصود دانشجویان هواداران پیکار در صف نیروهای انقلاب می دانیم بنابر این ما وجود مخالفت با تصمیم سخنرانی ولی با انجام آن مخالفت نخواهیم کرد. اما هیچگونه اشاره ای در جهت محکوم نمودن این فراخوان خائنانانه توده ای ها که ضد ایجاد درگیری در محیط دانشگاه را داشتند نمودند. ولی پس از مدتی در اثر فشار توده های هوادار شان مجبور به نوشتن مطلب دیگری گشتند و تا حدودی موضع گیری انحرافی قبلیشان را تصحیح نمودند.

جالب اینجاست که در زمان برگزاری سخنرانی در اثر موضع گیری قاطع گروه های دانشجوئی و محکوم نمودن سخنان مرتجعان "توده ای" حتی یکی از ایمن آرایان که دیگران را نیز به خشی کردن توطئه فراخوانده بود جرئت حضور در محل سخنرانی را نداشت.

عمل متحدانه گروه های مختلف دانشجوئی در جهت محکوم نمودن این حرکت دانشجویان در مکررات خوش متعکمی بر دهان این یاهو گویان بود بطوریکه دیگر خود نیز بروردند.

تخص انجمن دانشجویان ...

شورای دانشگاه موافقت می کرد که انجمن دانشجوئی هر یک از فعالیت ها گذاشته شود، انجمن اسلامی دانشجویان ضد دانشجویان ارتجاعی می شد، تا آنکه بالا غره تصمیم گرفته شد بدون انتظار اجازه رسمی از "سازمان" یکی از اطا قها (اتاق رئیس دانشگاه) اشغال شود بدین ترتیب ماچرا بصرف اتاق رئیس دانشگاه و افشای دانشجویان مرتجع و مائوین دانشگاه به پایان رسید و یکبار دیگر ثابت شد که:

"حقوق گرفتنی است نسه دانی!"

از شورای دانشجویان موسسه علوم بانکی حمایت کنیم

دوستان و رفقای دانشجو!

چیه گمانی؟

از افتاد کردن امر انتظام ها، قتل عام قاربا، مسلح کردن فتود الهی از طرف چمران (گزارش میبندی بهادران) خرید ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه از امریکا (اطلاعات ۱۵ تان) وحشت دارند؟

سپیش و شرابین افشاگرها را توطئه می خوانند؟

به دفاتر دانشجویی حمله کرده و اترافارت میکنند و در حیطه به خوابگاه دانشجویی با عناصر ارتجاعی همدست میگردند.

در جلسه کمیته رسیدگی شورای هاهنگی (یا حاضر تا مگره ها) برای رفع بحران دانشگاه شرکت نکرده و عدم حسن نیت خود را به این ترتیب نشان میدهند. سعی میکنند جمله "مجمع عمومی شورای هاهنگی را بوسیله" توهین به استادان و دانشجو بان متشنج کنند.

به اطاق شورای رفته به استادان و دانشجویان اهانت میکنند.

از خبرچین های رژیم آریامبری در دانشگاه حمایت کرده و سعی دارند آنان را مظلوم جلوه دهند.

اینان با عملکردهای ارتجاعی خویش در پی تثبیت حاکمیت اختطای هستند. اینان برای رسیدن به اهداف خود شورای دانشجوئی را نشانه رفته اند. اینان میکوشند از احساسات پاک عده ای از استادان و ستان سو استفاده کنند.

دوستان دانشجو!

آیا کسانی که دست به اینگونه اعمال ارتجاعی میزنند میتوانند خود را گاندیدای عضویت در شوروی نمایدی بنمایند؟

آیا کسانی که در ارتباط با حمله مسلحانه به خوابگاه دانشجوئی قرار میگیرند میتوانند گاندیده اصطلاح بی طرف شوی باشند؟

آیا این افراد با این گونه اعمال ارتجاعی خویش فسرده هر صدایی را در سینه ها حبس نخواهند کرد؟

دهای آریان عناصر را جمع شدن در انجمن اسلامی می کوشند از احساسات شاد و ستان سو استفاده کنند. اینان میخواهند محیط دانشگاه را متشنج کنند. اینان که در کمین فرصت بودند در رابطه با عملکردهای هیئت حاکمه میکوشند اعمال ارتجاعی شان را صحیح جلوه دهند.

اینگونه اعمال ارتجاعی با توجه به نزدیک بسودن انتخابات باعث برهم خوردن نظم آموزشی دانشگاه میگردد که مسئولیت آن بعد از انجمن اسلامی است. همداد با مجمع عمومی استادان میگویم با توجه به توهین به استادان و دانشجویان نمی توانست کارهای آموزشی دانشگاه در روال صحیح خود ادامه یابند.

استادان و دانشجویان باید متحداً با محکوم نمودن این اعمال ارتجاعی از وقفه در کارهای آموزشی دانشگاه جلوگیری نمایند.

دوستان دانشجو!

ازاد به منظم کارهای آموزشی دانشگاه بارد اینگونه اعمال ارتجاعی حمایت کنید.

ازاد انقلابیان را حول محور حمایت از شورای دانشجوئی و استادان گرد آورید.

دانشجویان هوادار

"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" (موسسه علوم بانکی)

گذر از

تئیک حمایت از تحریر مردم مبارز است

هیئت حاکمه مبارزه خلقیایمان را برای نابودی امپریا- لسم و ارتجاع سرعت بخشیم.

در خلال برنامه یکی از تفاسیخانی درباره جنبش خلق کرد و جنایات هیئت حاکمه در آنجا و... بهی- راعت و نیز خیرحطه پاسداران به زحمتکشان ساکن شده در یکی از ساختمانهای خالی سرمایه داران بزرگ در خیابان آزادی و دستگیر شدن و زخمی شدن عده ای از مردم در این تهاجم وحشیانه به اطلاع جمعیت رسید. همچنین شعری نیز که درباره مبارزات خلق کرد سروده شد. در پایان قطعنامه "گروه ملی جهت همبستگی با مردم مبارزینندج قرائت شد که متن آن به شرح زیر است:

قطعنامه تئیک پشتیبان از تحریر دلاوران مردم

قیام خلقیای تحت ستم ما اگر جمعیت عدم رهبری طبقه کارگر و در شرایط فقدان حزب کمونیست- گردان رزمنده طبقه "کارگر منجر به روی کار آمدن فرصت طلبان سازشکار گردد. ولی امواج توفنده "جنبش خلق همچنان در راه نابودی همه تهاجمات و خوارنهایی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم به پی- می تازد. پائینسل انقلابی خلق و جدت مبارزات خلق اتیوانیلاست که با وجود ندهد مات غروران توده ها و مو" استفاده هیئت حاکمه از احساسات پاک مذهبی تهاذری علی مدت کوتاهی دولت بازرگان این پ- لهرال خیانت پیشه را رسوا نمود.

شهرای انقلاب که در تمام طول مدت قدرتمند- دولت موقت، در اکثر احوال ضد خلقی، همدست و همراه بودند، کوشید تا برای جلوگیری از سقوط دولت خود، همه گناهان را به گردن بازرگان بیندازند تا به این وسیله چند صباح دیگری بر غرض سبزه زایی هیئت حاکمه با پوشش فاشیستی خود به گردنشان چنین می پنداشت که در مدت ۲۴ ساعت آنجا را رافتح کرده و نظم و آرامش مورد دلخواهش را حاکم خواهد نمود. ولی مبارزات دلاورانه خلق کرد مشتت محکمی بر دهنان جنده افروزان زد و آنان را وادارید به عقب نشینی نمود.

رژیم که بنا بر رفتار توده ها و به منظور فریب آنها به تبلیغ شعارهای فرمایشی خود در شهرهای پرداخت ماهیت ضد خلقی خود را با نابودی شهرهای واقع در دهقانان و کمیتا و سرکوب توده ها و رهبران اتحادیه ها دهقانی به نمایش گذارد. در پی شکست مفضضخانه ارتش و سپاه پاسداران در کرد- ستان ماهیت هیئت حاکمه ضد خلقی که تا آن هنگام از اجساد جوانان کرد پشته ها ساخته بودند نقاب صلیح دوستی بر چهره زد و با به اصطلاح ع- وان کردن مذاکرات مسالمت آمیز تا کنیک جدید خود را بکار بست.

البته این عقب نشینی رژیم و تغییر تاکتیک مسلحانه نمی تواند پایدار و همیشگی باشد رژیم می کوشد تا با سر و سامان دادن به موقعیتهای ثبات بخش در اولین فرصت مناسب به شیوه سرکوب دست زده و تهاجم

مستطوریشتیانی ارتجاع انقلابی مردم - ارز- ستندج در محفل استانداری و مسجد جامع این شهر که بخاطر اعتراض به حضور سپاه پاسداران و اخلاکگری آنان در امور شهر صورت گرفته است و نیز منظور پشتیبانی از جنبش مقاومت خلق کرد و افزایش توطئه های جدید جنگ افروزان رژیم در کردستان، دانشجویان و دانش آموزان هوادارانمان به کار در راه آزادی طبقه کارگر در تاریخ ۵۸/۱۰/۳۰ دعوت به میتنکی نمودند که در سالن ورزشی دانشگاه پلی تکنیک برگزار گردید.

در این مراسم ابتدا ابیاد شده ای جاودانه خلق قهرمان کرد که بدست جلا دان رژیم با اصطلاح ضد امپریا- لیست شهید شده اند و دیگر شهیدای خلقیای ایران یک دقیقه سکوت اعلام شد. سپس پیام "سازمان پیگرد در راه آزادی طبقه کارگر" قرائت شد در این پیام آمده بود و "مبارزات انقلابی توده ها با بود بکسر آواز و گسترش بیشتر بر خود ارگشته است. مبارزه کارگران به منظور هاداره اموال سرمایه داران و وابسته بزرگ، مبارزه دهقانان در جهت هاداره زمینها

از مالکین بزرگ و همچنین مبارزات خلقیای برای کسب خود مختاری و بطور کلی مبارزات ساریزحمتکشان در سر تا سر نقاط ایران می رود تا با سلطنتنگین امپریالیسم و ارتجاع را درهم شکسته و جامعه بی بر اساس حاکمیت کارگران و دهقانان بنیان نهند. " سپس به ع- د از افتخارگری در مورد ماهیت رژیم، اقدامات ضد خلقی و انتخاات ریاست جمهوری و... پیام سازمان با این جملات به پایان رسید: "امروز در اینجا گرد هم آمده ایم تا یارای یک پشتیبانی خود را از مردم سندج که در جهت اخراج پاسداران از مناطق کرد نشین می باشد اعلام نمائیم. ما قصد او هکلام با تمام نیرو- های خلقی خشم انقلابی خود را بر علیه دشمنان خلق نشان داده و مبارزه خود بر علیه امپریالیسم و ارتجاع این عصر باطل هیئت حاکمه را که می تواند توسط

نیروهای سازشکار و جنبش خلق کرد به انحراف بکشد نقش بر آب خواهیم نمود. در این مراسم یکی از رفقای کرد در باره ملت تحصن مردم سندج و جریان مبارزات سیاسی هفته های اخیر خلق کرد و توطئه های رژیم و نقش حزب دموکرات و... صحبت کرد. آنگاه پیام دانشجویان و دانش آموزان هوادارانمان به یکبار در راه آزادی طبقه کارگر خوانده شد در قسمت فاشیسی ان پیام هواداران آمده بود: "خلق تشنه ثار خند. خلق دلاوران سازند و خلق انقلابی را به پای دارند.

هوزه امپریالیسم و عاتش را خاک می مالند... و... تجنیات گرانهای مبارزاتی خلق کرد مظاهر و اعتصابات، تحصنها و بالاخره جنگ مسلحانه توده های صحنه درخشانی در تاریخ مبارزاتی توده های سندجده ایران است... و در پایان پیام آمده بود "مردم قهرمان ما میهن! مبارزه واقعی طبقه امپریالیسم در کارخانه مزارع، کردستان و... بدست توده ها انجام می گیرد. مبارزه واقعی ضد امپریالیستی همراهی با زحمتکشان انقلابی دلاور است. با افزایش توطئه های ضد خلقی هیئت حاکمه و نشان دادن ماهیت سیستم سرمایه داری وابسته در جهت شکستن توهم توده ها نسبت به

علنی خویش را بر علیه جنبش خلق کرد آغاز نماید. در تمام طول این دوران به اصطلاح مسالمت آمیز نیز هم چنانکه از هیئت حاکمه ضد خلقی جز آن نمی توان انتظار داشت از همان ابتدا کوشید تا با تکیه بر نیروها فرصت طلب و سازشکار و از طریق حاله با آنان در صحنه جنبش تفرقه انداخته و به سرکوب نیروهای انقلابی بپردازد. اما اتحاد و یگانگی خلق کرد به تانسیسم انقلابی توده ها که هر نیروی سازشکاری را به سرعت نفوذ نموده و منجر به ازو له گشتن آن در میان توده های گردید، تاکنون به هیئت حاکمه اجازه انجام توطئه های ننگینش را نداده است.

هیئت ویژه به اصطلاح حصن نیت دولت نیز در ط- تمامی این دوران صلیح دوستی دروین رژیم - تنبیه کوچترین خواست خلق پاسخ مثبتی نداده است بلکه با عنوان کردن طرح عواقب فاجعه خود گردانر اشتراکشان داده است که نمیشود و نه میتوان که از عهد "انجام خواسته های حق طلبانه خلق کرد برانده اراده" آنان را برای در اختیار گرفتن

امیر خود به رسمیت بشناسد. از طرف دیگر رژیم از کسب و دم از مذاکرات سیاسی می زند و از طرف دیگر به نقل و انتقالات نظامی در محل پرداخت و سپاه پاسداران را به سوی مردم بگناه آتش می کشد تحصن مردم سندج این اهداف ضد خلقی و جنبه طلبانه رژیم را رسوا نموده و آشکارا نشان داده است در ضمن آنکه برخلاف تحریفات دروین رژیم خلق قهرمان کرد هیچگاه بر علیه خواست برحق توده ها هیچگاه جنده افروز و خواهان جنگ نبوده است بلکه همواره آماده است که با توطئه های ننگین هیئت حاکمه بر علیه خواست برحق توده ها به مظل- برخیزد. ماضین پشتیبانی از تحصن مردم دلب- سندج اعلام می داریم که:

۱- ما از تحصن مردم دلب سندج پشتیبانی کرده و خواهان خروج بی قید و شرط پاسداران و انحلال ارگانهای ضد خلقی شهرهای و ارتش دست پرورده امپریالیستی بوده و از حاکمیت توده ها توسط شوراه واقعی آنها در کردستان پشتیبانی می نمائیم.

۲- ما توطئه های جنگ افروزان و ضد خلقی هیئت حاکمه را که در زیر لوای مذاکرات سیاسی انجام می که از جمله نقل و انتقالات نیروهای نظامی در مناطق و گشتا و وحشیانه مردم بدست سپاه پاسداران را محک می کنیم.

۳- ما طرح خودگردانی را فریبی از جانب هیئت حاکم دانسته و همراه با خلق قهرمان کرد چنین اقدامات را توهمین و توطئه ای بر علیه خواسته های برحق خلق کرد می دانیم.

۴- ما سازشکارهای حزب دمکرات و توطئه های رو بونیمتیبهای خائن حزب توده و سه جهانسی را بر علیه خلق کرد و همدستی آنان را با ارتجاع محکوم می نمائیم.

۵- ما عقیده داریم که نابودی سیستم سرمایه داری وابسته تنها با اتکا به نیروی توده ها و از طریق نابو همه تهاذهای پوسیده و ضد خلقی این سیستم و جایگزینی آنها با ارگانهای قدرت توده ای دانسته و از همین روشک در انتخاات ریاست جمهوری راد خدمت دامن زدن به توهم توده ها و ایجاد رعب آنها صتی بر تصرف دلت از بالای ما دانیم و به همین جهت از نظر ماحریم انقلابی انتخاات ریاست جمهوری دست زدی بر سیستم سرمایه داری وابسته می باشد.

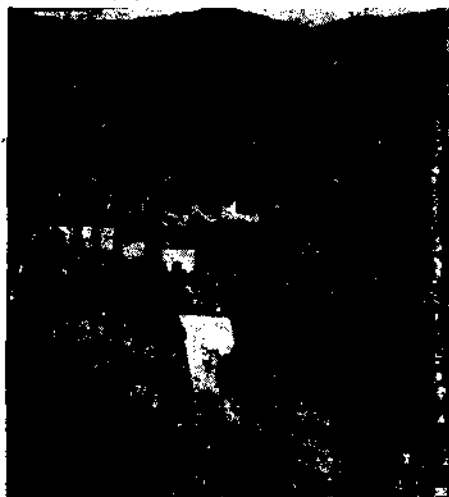
درد بر خلق قهرمان کرد سندج مبارک بر امپریالیسم و ارتجاع برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

درسهای از مبارزات توده ها

جنبش خلق کرد چه درسهایی به مامی آموزد؟

به لرزه درآمد، از هر سوزندگان مسلح و کمکهای راوشی غذائی به سندانج حرازی شد. وتجلی باشکوه اتحاد خلق کرد که وحشیانه سرکوب می شد. وودفاع مسلحانه پرداخت بود، رژیم راوارد آریه عقب نشینی نمود. درپرویه، این مبارزه شورای موقت انقلاب تشکیل شد. هیئت امرای دولت نیز به بسیاری ازخواسته های خلق کردگرفتن نهاد (گرچه گذشت زمان بوج بودن این وعده هاراکه بنابر ماهیت طبقاتی رژیم نمی توانست تحقق یابد، روشن کرد) و تشکیل شورای شهریکی ازاین خواسته ها بود. گرچه شورای شهرسندانج به سبب جومنتطقه و توطئه های قیاده موقت ومزدوران نظیر مفتی زاده و بی تجربگی نیروهای انقلابی درکارطبی، دریک فضای ضددرکواتیک برگردارشد وعلا، نتوانست ترکیب مردمی وواقعی خویش را داشته باشد. اما بااینهمه تشکیل شورای شهرسندانج برای نخستین بار درایران پس از مبارزه ای خونین پدید آمد. برای توده ها تجارب بسیاری به همراه آورد. درجسریان مبارزه و تشکیل شورای توده هانیروهای ارتجایی را که درپوشش مبارزه یا کمونیسم به مبارزه باانقلاب پرداخته بودند، بیشتر صبرترشناختند، نیروهای انقلابی را بهتر شناختند، و ازهمه مهتردریافتند که قدرت واقعی آنان دراتحاد ومبارزه نهفته است. نیروی که توپ و تفنگبارای اشتر می سازد ووارد آریه عقب نشینی می کند، حرفهای يك کرد ز حمتکس بعد کوچکی ازآموخته های خلق را نشان می دهد. پس مانند وشکرو... توزیع می کنند تا بهمنشوان رشوه قبول کرده درانتخابات به نمایندگی محلی را، درهم، تا باهم به قیمت فقرمان، حضرات شونتند شوند، ولی اگر بند ازبندان هم جدا کنند، دیگرهمینار نخواهیم رفت. مانندآکسانی رانداپنده واقمر کارگران می دانیم که درراه کارگرمبارزه کرده وزندگی خود را فدا کرده اند. * (نقل ازکتاب جنگ خونین سندانج و دستاوردهای آن: شورای شهر - چریکهای فدائی خلق) . پس ارتقای کمیته های شهروده و جمعیت های دفاع ازآزادی خلق کرد، درشهرها کردستان و روستاهای کردستان ایجاد کند که به فعالیتهای آگاه گرانه و تبلیغات سیاسی وافتخارگانه دست می زد ولی به رگان اجرایی توده ای تبدیل نشد. اما (اتحادیه های دهقانی) آنجا که دهقانان مسلح راستشکل نمود، درواقع رفته رفته به ارگان اجرایی توده هابدل شد و یکی از ارزش ترین تجربه های جنبش خلق راستجلی نمود.

نیمه دمکراتیک سبب می شد که نیروهای انقلابی شمارهای پیگیرادر میان توده مردم وسیما، تبلیغ نمایند. شمارهایی که توده به سبب درک ضرورت تحقق آنها با تاملی گوشت صوست خویش به پشتیبانی از آن دست می خاست. . . . تحقق خواسته های بحق خلق کرد، ازحدود ظرفیت رژیم بسیارفراتر بود. به همین دلیل رژیم با زمینه چینی وواظری و سو استفاده ازتوهانات مذهبی توده های ناآگاه سرکوب وحشیانه خلق کرد را تدارک دید و بهمان دست زد. اما برخلاف خواسته های



رنگارنگ هیئت حاکمه ضد خلقی، جنبش خفه نشد وخلق کرد درهر قدم به دستاوردهای بالارزشی دست یافت.

تشکیل های توده ای:

درپرویه، مبارزات، تشکلات توده ای نظیرشورا و کمیته های شهروده واتحادیه های دهقانی درکردستان بوجود آمد. البته همه هریک ازاین تشکلات ویژگی کاربوی هرد خاص خود را براساس چگونگی شکل گیری مضمون واهداف آن و ترکیب شرکت کنندگان داشته است. در این رابطه ازاولین تجارب جنبش خلق کرد شورای شهرسندانج بود که درواقع خونیهای جنگ تحمیلی بود که با همکاری ارتجاع محلی (قیاده موقت، فتوایها و اشال مفتی زاده و صفدری) و دولت مرکزی برای افتاد. اما پس ازآنکه باتحریک توده های ناآگاه که وجهه الحاحیه، رقابت های ناسالم کمیته های ششمه و سنی شهرگشته بودند، جنگ برای افتاد ارتش که ترکیب آن دست نخورده بود پس فرمان گیری ازفره نی مزدور دراستعداد مرکزی، به سرکوب توده ها پرداخت. کردستان

آموزش واقعی توده ها، نمی تواند از مبارزه انقلابی آنان جدا باشد. فقط مبارزه است که طبقه استثمار شده را آموزش می دهد. فقط مبارزه است که عظمت قدرت این طبقه را به خود می نمایاند، افق دیدش را وسیع تر می کند، تواناییهایش را افزایش می دهد، ذهنش را روشن می کند و اراده ای را آهنین می سازد. (لنین)

تجرباتی که خلق دلاور کرد در مبارزه سرسرخونین و فیرمانانه اش درروباروشی بالارتجاع، بدست آورد، تجلی روشن این ایده، اساسی (کمونیسم) است. آیا خلق کرد، اکنون، پس از یک دوره مبارزات پیرومندانه، همان خلقی است که در ابتدا پیش از آغاز این مبارزه بود؟ نه. در درون آتش و خون، خلقی نوین تعصید یافته است. توده های سندانجیده کرد از درون این جنگ تحمیلی، آیدیده تر آگاه تر و استوارتر بیرون آمدند. همچنانکه درپرتو این مبارزات، خلفایا و مردم زحمتکش مصابرفظای ایران نیز بسیار چیزها آموختند. آری، خلق کرد با نشان خون خویش، آموخت و آموزش داد. چنانکه حتی اگر برای کوتاه زمانی این مبارزه سرکوب گردد، بواقع میتوان گفت که این مبارزه پیروز شده است. پشتوانه این حکم، تجربیات درخشان این مبارزه خلقی است. و اکنون اگر به تجربیاتی از این مبارزه مرفرازی برداریم، نه فقط بسیاری تحسین و ستایش این خلق رزمنده، بلکه هم برای آن است که درس بگیریم.

ستون اصلی مبارزات درکردستان، توده های زحمتکش هستند که سالها تازیانه ستم دیکتانه را بر کرده، خویش آزموده اند، و سالها مبارزات پیگیر علیه ستم و نیرت، نیرگی سوری از مبارزات خلق کرد درمنطقه دیگر (عراق و ترکیه و...) طبرقم عقب ماندگی فاحش منطقه از لحاظ اقتصادی و فرهنگی، سندانج های مبارزه جوانه ای را در منطقه بی نهاده است که در مجموع به خلق کرد، به تشکیلات مرشدمبارزاتی بخشیده است. پس ارتقای نهیذلیل همین شرایط و نیز به سبب رشد دار نبودن فرهنگ مذهبی ارتجایی حاکم مبارزات خلق کرد با جوشش بیشتر، سری درجهت احقاقی خواسته های عادلانه مردم سندانجیده، کردستان، سرکشی مالکان بزرگ و معویسم ملی، ادامه یافت. وجود جشو



د هفتان زحمتکن کردنشان که پس از تقسیم
بسیب آزادی ملی که مالکین اصلی بدست
آورده بودند و حمایتی که از جانب رژیم
از آنان می شد، مانند گذشته فشار
سنگینی را متحمل می شدند خیلی زود به
صف مبارزه پیوستند. و غلبه را رویتا
هائی که سابقه مبارزاتی بیشتری داشتند
سرپیچتر جذب مبارزه گشته و پیشروان شدند
د هفتان مبارزه مطالبه یافتن آنها
که متشکل شده، اتحادیه ایجاد نموده
بودند، دست به ایجاد تشکیلاتی د هفتانی
زدند. و در این راه روشنفکران پرورش یافته
در میان توده هائیزه آنان جاری نمودند
در تجربیات ارزشمندی که رفیق قواد
ملطانی در این باره بیان نموده است
(در نوشته های اتحادیه های د هفتانی)
پروژه رشد مبارزات آبروشنی میتوان دید
ارتقا مبارزه د هفتان در پروژه "حرکت
خوبش از روشنفکاد فاع مشترک، بدون هیچ
هدف و برنامه تعرضی به بنیاد نهادهان
اتحادیه های د هفتانی به تابه ارگستان
اجرائی توده های مسلح".
رفیق قواد در تجربیات خوبش چند مسئله
مهم را بیان می کند.
الف: زحمتکنان در پروژه "مبارزه طبقاتی
به کمک نیروی آگاه، سریعاً" رشد می کنند و
پرورش می یابند. "تجربه به من ثابت
کرد که یک روشنفکر باید زحمتکن شهری
و د هفتان از ده تا پانزده روز در این شرایط
چنان پرورش پیدا می کند که ممکن است
در شرایط عادی به مدت یکسال یا بیشتر
پرشد".
آری، زحمتکنان در جریان مبارزه حاد
طبقاتی، هنگامی که به ضرورت شناخت
مسائل برای درست گرفتن فرماندهی
و رهبری پی ببرند، سرعت می آموزند.
"علاقه و شور و شوق آنان برای آگاه سازی
در مسائل سیاسی بسیار زیاد شده و بلوری
که وقتی یک اطلاعات از شهر میرسد، خیلی
از آنان حصر می خواهند که فوری
برایشان خوانده شود".
ب: تاثیر پایگاه طبقاتی در موضع گیری
سیاسی - رفیق قواد می گوید -
که د هفتان مرفه در رابطه با موضعیت
اقتصادیشان دارای روحیه "دفاعی"
هستند. "دفاع بکنند که مالک تعرض
نکند".
اما برعکس د هفتان فقیر و خوش نشین روحیه
تعرضی دارند و بدین لحاظ نیروی اصلی
اتحادیه را تشکیل می دهند.
این تجربه بیان یک حکم اساسی مارکسیسم
لنینیسم است که: "احساس، اخلاق
و عریز، حالت های روانی طبقات مختلف
و توده ها از شرایط اقتصادی آنها و منافع
اقتصادی اساسی آنها ناشی می شود.
و آنچه که غریزه "حقیقی طبقاتی زحمتکنان

به آگاهی سیاسی، بدل گردد - نیروی -
مادی توده ها نظم کینه را درهم می شکند
و نظم تن را می آفریند.
ج: اهمیت مبارزه مسلحانه توده ای و نقش
نیروی مسلح خلق:
رفیق قواد بروشنی توضیح می دهد که
چگونه وجود د هفتان مسلح پشتیبان
اجرائی اتحادیه بود و چگونه د هفتانسان
به کمیته های شهری که نیروی مسلح توده
را متشکل نموده بودند، به تابه یک اداره،
امایه اتحادیه های د هفتانی -
مانند ارگان اجرایی خوبش برخورد مینمودند
و چگونه آگاهی به نیروی مسلح، خوبش،
د هفتان را استوار می داشت. رفیق همچنین
بیان می کند که چگونه خلق
در رابطه با درک منافع خود و پیشمرگه های
مسلح را به جان می پذیرد، "وقتی خلق
پای منافع خود را در میان ببیند، فاعلانه
دفاع می کند. فقط یک امر ضرورت دارد که
یک جریان انقلابی بوضع ابتکار عمل
راهدت گیرد".
مسئله چالپ دیگر، بالا رفتن روحیه
هتاسل مبارزاتی د هفتان در نتیجه
عامل (اخلع) است. آری، مارکس
درستی می گوید که: "توده های مسلح عرض
راهم نشانه می گیرند" (نقل به معنی
از کتون پاریس).
د: ارتقا از مبارزه و تصحیح نقائص کار در
تجربیات عینی اتحادیه های د هفتانی، به
روشنی شاهدانیم که چگونه د هفتانسان
درس گیری از مبارزات از دفاع منفرجه به
دفاع متشکل و از کار عینی به تیمه های
غیر عینی روی می آورند.

اشکال مبارزات توده ها:

خلق دلاور در در پروژه "مبارزات -
خوبش، از اشکال مبارزاتی متعدد و استفاده
نمود و در تجربیات خونبار خوبش این اشکال
را غنای بخشید.
اشکال گوناگون، تحصن، اعتصاب، کوچ
اعتراض، تظاهرات خیابانی و جنبش
مسلحانه هر یک ابعاد از جنبش خلق را -
تجلی می بخشید. علاوه بر این توده های
شریف کرد، مبارزان مسلح خوبش را چون
نگینی در بر گرفتند و حمایت کردند و در واقع
بدون وجود این حمایت پیشمرگه های
قهرمان کردن نمی توانستند بقایابند. این
واقعیت را اخبار و گزارشات نیروهای انقلابی
بروشنی بیان می کند.
"خبرنامه" کوله در گزارش نبرد پیشمرگه ها
باختون باید از ان اشغالگری نویسد: "می
آنگه بویژه این عملیات انقلابی را در غنشد
می بخشید شرکت وسیع توده های مردم نواحی
الحرف در این جنگ به کمک پیشمرگه هاست
... مردم زحمتکن و شرافتمند، توده های

ستدیده که تکیه گاه و امید همه جنبشهای
اصلی انقلابی و جنگهای عادلانه خلق
هستند، و خواهند، بهر قیمتی که
شده پیشمرگه ها در این نبرد فاتح شوند
و در این راه از هیچ فداکاری دریغ
نمی کردند. آنها بدون ترس در میان
شملک متقابل گلوله های پیشمرگه هتاسا
می آمدند و با تیر خود محسسه هتاسا



پرورش می آفریند که روحیه "نیروهای
را با زهم بالا ترمی برد و به آنها نشان میداد
که در پیولایمن واقعی توده هتاسا
هستند" (۵۸/۷/۱۸).
در پروژه "مبارزه توده های زحمتکنش
استعداد های واقعی و فداکاری هتاسا
بی ادعای خوبشان می دهند:
"نظم و انضباط انقلابی مردم بی -
است. هزاران نفر از اعضای اتحادیه های
د هفتانی و روستائیان در نقاط حساس
الحرف شهرها و گذرگاههای کوهستانی
جنگبندی کرده اند، زنان روستائیان
هر روز کوله پارهای از نان و آذوقه
و لبنیات را برای مردم شهری آفریند.
(خبرنامه کوله ۵۸/۷/۶)
پیشمرگه های قهرمان کار درون توده های
زحمتکن کرد برخاسته اند، جان خوبش
را در راه انقلاب فروتنانه فدا می کنند
... اکثریت قریب به اتفاق آنان
(پیشمرگه ها) مردم شهر و روستا به
توده "فقیر مردند، چند تائی از آنها
را می شناسیم، و در میانشان بنا، کارگر
ساختمان، پهل، ضربه چی، کارگر
انوشوی، دیلمه، ایسانیه، دانشجو
و حتی درجه دارش و زاندری و پاسا
دیده میشود. با عده ای دست میدیم
دستهایشان زمخت صینه بسته است
اما چهره ای خندان دارند. " (نقل
از خبرنامه کردستان شماره ۸)
نبرد کوچ به کوچ پیشمرگان و شدم

از اید انقلابی حلقه های به شدت پر از اتحاد امیرالیه و ارتجاع را درهم خواهد شکست

شرکت فعال زنان دلاور کرد در صنف مقدم جنبه نشانه ای از صف و فراگیری جنبش خلق کرد است .

ارتباط روشنفکران انقلابی و توده ها : مبارزات توده ها ، همچنانکه از نیروی روشنفکران انقلابی بی توان بهتری می گردد و ارتقای باید ، به آنان می رسد . بسیار درس های دهد . در جنبش خلق کرد نیز چنین است .

تجربیات رفیق فواد در رابطه با تشکلات توده ای ، در صنف های آموزشده ای در این زمینه دارد . او می گوید : " تجربه به نشان داد که نمی باید تمام توده ها قطعنامه صادر کنیم . آنها را بدرونی مسئله ای نکه کنند که قادر به دفاع از آن باشند ."

و این سخن بدان معنی است که توده ها ثابته مسئله ای آگاهی نیابند حتی اگر منافع آنان نیز برآورد کن باشد . حمایت مادی از آن برنخواهند خواست . و نقش روشنفکران انقلابی این است که آگاهی را به میان توده ببرد .

رفیق فواد به روشنی نشان می دهد که اختلاف نظرات میان روشنفکران چگونه در رابطه با تجارب توده ها با برن این نظریات به میان توده ها ، حل شده و صحت نظرات روشن می گردد . چرا که تنها جریان عمل است که صحت تئوری را اثبات می کند و اثرگذاری بخشد . همچنانکه بخش از روشنفکران نیز در جریان مبارزه مصفی می شوند و آنان که باقی می مانند مانند پولا دیکیده می گردند .

رفیق فواد در تجربیات خود به اهمیت عامل شناخت روحیات ، حسن و نوع زندگی روشنفکران با تمام ویژگی های آن (کسه می تواند در مناطق مختلف گوناگون باشد) نکه می کند . و این واقعیت را بد روشنی بیان می کند که بدون شناخت توده ها ، که از زندگی کردن در میان آنها حاصل میشود نمی توان بدان نزدیک شد و ارتباط و پیوند برقرار نمود .

لنین بزرگ نیز در این زمینه به ما درس می دهد . اولیانوف می گوید : " در طلب چیزهای زندگی کنید ، روحیه مردم را بشناسید ، هر چیز را بشناسید . یاد بگیرید که توده ها را درک کنید ، برخورد درست را کشف کنید . دهید ، اعتماد کامل آنها را جلب کنید . و این زیاد آسان نیست . اما بدست آمدنی است . تجربه جنبش خلق کرد این پیوند را نشان می دهد . و به خاطر وجود چنین پیوندی است که توده های خلق کرد ، نیروهای انقلابی را از دل و جان از خود می دانند . این واقعیت امید بخش در این خورشیدگراست :

استقبال پرشور مردم مبارز و جوانان این شهر ... کارگران (بازاریان و دانشمندان مدرن در حالیکه شمار "زنده باد نیروهای کوه که کاک فواد همراه آنهاست" را

کرد جلوه بدیع دیگری از مبارزات خورشید رانشلی نمود و شور مبارزه را در تمام زحمتکشان شدت بخشید و بدینگونه مردم با سلاح و سلاح و با اشکال گوناگون ، از تمامی اقشار و طبقات و خاصه زحمتکشان کده اکثریت مردم کردستان را تشکیل می دهند فاطمات به مبارزه برخاستند و نشان دادند که :

" زمانیکه یک جنگ انقلابی علاقه و توجه توده های مستعدیده را به خود جلب می کند آنچنان قدرت و توانایی کسب می کند که معجزه می آفریند " (لنین)

شرکت فعال زنان دلاور کرد در جریان مبارزه " خونین کردستان



همچنانکه همواره در تاریخ جنبش های خلقی شاهد بوده ایم . زنان دلاور نیز پیوسته مبارزه برخاسته اند . زنان دلاور کردستان پیشمرگه نیز شدند و حماسه آفریدند .

آنان در کوره راهها و اوج و بار بار حمل کردند نان پختند ، سلاحها جنگیدند و فرزندانشان رشید خود را بدو آن و ناله به انقلاب تقدیم کردند و شجاعانه براسد از آن ارتجاع نفوذ انداختند " از راه خیر می رسد که یکسری از مبارزان شدگان پایه دختران (ساله ای بوده است که تابعه " اعدام ... بود " می رقیب " (سرود ملی خلق کرد) را می خوانده و به هنگام تیرباران شدن فریاد " یاکوردستان یانسان " (یاکوردستان با مردن) ایشیت همه را به مبارزه در آورده است . (بنقل از خبرنامه کوه ۵۸/۶/۶)

... شهر قهرمان سقز پس از ه روز مقاومت سرانجام وسیله " نیروهای ککلی ارتش حامد از آن اشغال شده دنبال آن موج دستگیری و وحشت سران شهر را گرفت . گروه کبری از ارتشسایان حاضر به درگیر شدن با مردم و شرکت در این جنگ برادر کسی نیستند ... اکنون نزدیک به ۴۰ نفر از روشنفکران و معلمان کرد و نزدیک به ۳۰۰ یکه نفر از مبارزان مسلمان را دستگیر کرده اند ... در آن میان گروه زیادی از زنان و دختران دلاور و مبارز وجود دارد ... (خبرنامه کوه ۵۸/۶/۶)

(درمباراد) : ... مردم شهر در این روزها پاکه های بی دریغ خود همسنگی میوند عقب خورشید را با مبارزین انقلابی به اشکال گوناگون بنمایش می گذارند . پس با پشتیبانی وسیع توده های مردم دشمنان بار دیگر به پادگان عقب نشینی می کند . (نقل از نگار شماره ۲۹-۲۶/۷/۵۸)

در جریان تحصن ها و اعتراضات خورشید کله افشار خلق ، مشتهای محکمی برهوزه ارتجاع خود می آورند . بسیاری از این تظاهرات و اعتراضات در شرایط اختناق اجباری و اعلام منوویت تظاهرات صورت می گیرد . شعبه های این که مردم برزبان می آورند ، عقب مبارزه " آنان را محسوس

می کند و بسیار شورانگیز است ارتقا کیفیت شمارها در مقابل طمع گوناگون مبارزه ، رشید آگاهی سیاسی خلق کرد را به پیش پایری نشان می دهد . شمارها معمولاً بر اساس مسائل عمومی مبارزه و سایل شخصی هر مقطع تعیین می شود :

۵۸/۹/۲ در خانه : در تظاهرات عظیمی مردم شمار می دادند ... " در یک کار خلق کرد سازشکاری محکوم است " و " توده ها همه توده ها است . حسینی رهبر است " و نظیر این شمارها در تظاهرات با شکوه خندان در (۵۸/۷/۲۶) نیز برآورد می شد . (نقل از خبرنامه کوه له)

در ۱۴ آبان با بخش خبر احتمالی مذاکره دولت با نیروهای مرتجع منطقه ، پیش از ... که فزاد مردم مبارز در یک راهبیمانی عظیم شرکت کردند ، آنگاه شمار می دادند : " رهبر ما دستگراست مذاکره بی شرافت " ، " مذاکرات پنهانی با احزاب سازشکار را باید کرد " ، و در تظاهراتی بر علیه کشتار تازه درمباراد خلق می فرید : " به قدرت اندیشه و بازوی بزروری آزاد خواهیم شد " و قدرت خلقی ، قدرت انقلاب است برای اینکه ملت با سرفرازی زندگی کند " در تجربه کوه کوچ میوان به عنوان یک شکل بی سابقه اعتراض خلقی کرد حماسه پرشکوهی را تدار نظم و همبستگی آفرید . اردوگاه کوچ کنندگان در واقع به یک کلاس مبارزه بدل شد و خلقی

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی دموکراتیک

در تعطیلات دانشگاه‌ها چه کنیم؟

روی خود قرار دهیم و بر اساس آن برنامه ریزی نماییم. در صورتی که تعطیلات می‌آید و می‌گذرد و هنگامی که به پایان کار خود می‌رسیم، خواهیم دید که روزها را در گردن آب ریخت و یاد گرفتیم. خرد کاری گذرانده ایم. ساعتها بر ما مسلط شده است و بازده ای بدست نیاورده ایم. باید از مشغول شدن چنین وضعیتی، جدا شویم و جدایی کنیم.

در این رابطه ما گمان می‌کنیم که تمامی فضای دانشگاه که در شرایط با مشکل های انقلابی دانشگاهی و از جمله مشکل ما، هستند، می‌باید پیشرفتات خویش را پس از بحث های جمعی برای برنامه ریزی همه جانبه در دوران تعطیلات به شکل ارائه کند.

اما فضای که به سرستانها و روستاها می‌روند، بهترین فرصت را بدست می‌آورند که برای زمان کوتاهی در محیطی با ویژگی های متمایز از دانشگاه و دانشگاه بسیر کنند. این تجربه اگر با استقرار و وقت نظر در آمیز می‌تواند پدیدار آید. اگر عموماً این وضعیت در نظرها باشد که در دوران انقلابی، هر روز بیشتر از ماها ارزش دارد و هر قدری که یک انقلابی برخاسته می‌فکند صد عارانه می‌دهد.

اگر گمان کنیم که فقط در شرایط خاص می‌توان به کار انقلابی پرداخت مرتکب اشتباه بزرگی شده ایم.

پس انقلابی، خاصه در میان توده ها، باید در وقت می‌تواند کار کند. و نتیجه آن اگر چه یک ساعت و یک روز در مدت نمی‌آید اما در راه دست اندکار خواهد شد. رفا، در این مدت که روستا و شهرها می‌رویم، می‌توانیم آموزش ببینیم و آموزش دهیم می‌توانیم آزمون کنیم و در پایان که نتیجه حاصل داریم که آنچه را که آموخته ایم، نه فقط در بحث با رفقای دیگر، بلکه در ارتباط با مردم عادی، انتقال دهیم. می‌توانیم در این زمینه خود را به تربیت نشاند و فعالیت ضعف خود را بر آورده نماییم.

علاوه بر این ما به مدت فرصت خوبی است برای هر آورد آنچه که تاکنون و امسال کرده ایم. حسابرسی نمودن گذشته و درس آموزی از آن. و تمامی آنچه بدست یافته ایم، می‌تواند در اختیار جمع و تشکلات قرار گیرد و مورد استفاده واقع شود.

واضح است که در دوران تعطیلات، کمالات آموزش (تئوریک - ایدئولوژیک) ما می‌باید هر چه به گسترش داده باید، چرا که خاصه در شرایطی که حرکت انقلابی توده ها سریع است، باید سریعاً یاد بگیریم تا بتوانیم درست تر حرکت کنیم.

رفا! بگوئیم که با کار برنامه ریزی شده و منضبط در دوران تعطیلات باید که جمع بندی و پربار به دانشگاه برگردیم. چرا که این خود می‌تواند تمرینی باشد برای آنکه آغاز کنیم که یک انقلابی شویم. ●

تعطیلات بهمن از راه می‌رسد. دانشگاهها بسته می‌شود. ۱۵ روز بدون دانشگاه، در اختیار داریم. اما چگونه می‌خواهیم با تعطیلات بسوزیم؟ خورد کنیم؟ اگر ما، عمدتاً در محیط دانشگاه و اصولاً در این ارتباط فعالیت می‌کرده ایم و اکنون طبیعتاً است که دامنه فعالیتها را با توجه به شرایط تعطیلات محدود تر می‌شود.

اما آیا می‌توان تعطیلات را از جریان کار جدا نمود؟ آیا می‌توان بنابه استراحت صرف بدان نگریست؟ برای آنان که می‌خواهند از دل و جان بسوزند بیشتر در مهم انقلاب باری رسانند. تعطیلات وجود ندارد. اگر آنان تجدید قوا می‌کنند و تنها برای آن است که با انشعاب بیشتری به کار بپردازند و تازه رفا! این بدان معنا نیست که این دوران از زندگی فعال، پریده و جدایی شود و در خلا بگذرد. این جملات و نظریات بسیار ساده به فکر هر کسی می‌رسد اما برای آنکه تنها به کار نباشد، باید کوشش تا آن راه عمل در گیرد. و این زیاد آسان نیست. تا حدی برای روشنفکران که بی اغیاضی و عدم وقت می‌توانند در کار آنان ریشه در بیاورند. اما ما می‌باید به مسئله تعطیلات نیز مانند هر یک دیگر نگاه داشته برخوردار کنیم. به این معنا که دقیقاً درباره آن فکر کنیم. اهداف شخصی را با توجه به شرایط پیشین

زندگی به طور غیر منتظره ای حادثه آفرین می‌شود. توده ها که پیوسته در خاشاک بودند همین جهت اغلب باز دیده گرفته می‌شدند و حتی پاره ای از آنها برین سطحی فکر آنها را تشویق می‌کردند. آنها را به عنوان مبارزان فعال وارد عرصه حوادث سیاسی می‌شوند. این توده ها در جریان عمل یاد می‌گیرند. در برابر چشمشان تمام جهانها اولیست گامهای آزمایش خود را برمی دارند. راه خود را درک می‌کنند. هدفهایشان را مشخص می‌سازند و بالاخره خودشان و نظریه های نظریه پردازان خود را می‌آزمایند و این توده ها با کوششهای قهرمانانه خود نشان ناخدا انضاء در جهت انجام وظایف خطیری که تاریخ به عهد آنان محسوس کرده است گام برمی دارند. هر چند که شکست های فردی بزرگی ممکن است پیش آید و جوی های خون جاری شود و هزاران نفر برای گردن دلی همه چیز را نمیتوان از نظر اهمیت یا آنکه که توده ها و طبقات در جریان مبارزه انقلابی خود نشان می‌آموزند. مایه کرد.

● گلبه نظر مولهای لیسن از کتاب - روششناسی اجتماعی و تاریخ انشعاب - پورنصفه آورده شده است.

نگرامی کردند به پیشوا و پیشروان رفتند... عده ای از شهر و شوق می‌گرفتند و عده ای از آن دل می‌خندیدند و عده ای بر پیشروان نزل و نجات می‌بخشیدند... پیشروان وارد اولین خیابان که شده بود با استهلال تعداد کمی از کارگران شرکت نام به تکرار می‌شدند... (۵۸/۹/۱۸) (خبرنامه کوه که شماره ۱۵)

سیاست بمیان توده ها می‌رود:

خلق کرد در پیرویه مبارزات خونبار خویش به رشد سیاسی سریع و چشمگیری نائل آمد. مبارزه توده ها را احسان می‌پارز و علاوه بر این در جنبش خلق کرد و نیروها انقلابی برخلاف سازشکاران معیسی می‌نمودند که مسائل را بمیان توده ها می‌پورند و بگذارند که آنان تصمیم بگیرند. چرا که عمیقاً دریافته بودند که بدون پشتیبانی آنان، مبارزه ادامه نخواهد یافت و قدرت توده ها تعیین کننده است. آنان سهمی می‌نمودند که مواضع انحرافی را افشا نمود و وسیله آگاهی توده ها را بالا ببرند تا بتوانند هر چه بهتر تصمیم بگیرند. گرچه این وظیفه سنگین تمامی و بدرستی انجام شد. اما با این همه تا همان حدودی که انجام می‌پذیرفت، تاثیر شگرف خویش را با فسی می‌گذاشت. خلق کرد آغاز به شناخت دوست و دشمن واقعی نمود و بدرستی در قریب های خویش اعلام نمود که تنها آنان را می‌پذیرد که در صف خلق هستند و ضد خلق را در رهبران بازمی شناسد. خلق کرد اعلام نمود که رهبران را بر اساس مواضعی که در مبارزات کردستان ایفا میکنند خود تعیین می‌کند و با نثار نفرت عمیق خویش به حزب توده، خائن، رشد سیاسی خویش نشان داد. این نفرت آنچنان صمیمی است که حزب سازشکار و مکرر نشاندگان طناً جرأت بیان ارتباط با احزاب حزب خائن توده را ندارد. اکنون غیرمسموم های های مذبحخانه حزب توده علیه نیروهای انقلابی کردستان، خلق کرد و روشنان و دشمنان واقعی خویش را بیشتر از پیش می‌شناسد و مسلماً هر چه مبارزه بیشتری را رو بروند که این مرزبندی ها فیسق و دقیق تر خواهد شد.

ما با بزرگترین بیکار و یگرستان نشاندن بزرگ رانقل کنیم. چرا که به تمام معنی حق مطلب را می‌گویید: در تاریخ انقلابات تعداد هائیکه در طول دهها صد هائیکه رشد یافته و جوان افتاده اند خودشان را نشان می‌دهند.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

اخبار مبارزات دانشجویی

تحصیل انجمن دانشجویان ضد امپریالیست، ضد ارتجاع در خرم آباد

انجمن دانشجویان ضد امپریالیست ضد ارتجاع - خرم آباد در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۰ یک سخنرانی درباره "مسئله خود مختاری و مسأله ملی" تدارک دیده بودند، مدتی پس از شروع برنامه عده ای از دانشجویان مرتجع وابسته به "انجمن اسلامی دانشجویان" وارد محل شده و شروع به اختلال در نظم جلسه نمودند (بابت گویی و فحاشی و ...). این آقایان با اصطلاح دانشجویان ضد ارتجاع در برنامه آموزشی نظامی، کمی دیرتر از شروع سخنرانی توانستند خود را به محل برسانند. در مقابل تفریق و ایجاد آشوب این مرتجعین، با اصرار احترام از برگزاری، به خاطر حفظ نظم جلسه، هیچگونه عکس العملی از جانب رفق صورت نگرفت. لازم به تذکر است که این دانشجویان "اسلامی" با دو نفر از اساتید ارشد معروف خرم آباد، غامیان "غلام زریاب" و "مصطفی زاده" معروف به "پسر حاج نبی" که از زمین ترین پاسداران شناخته شده و شهره عام در شهر میباشند روابط بسیار حسنه بهمکاریهای متقابل دارند!

بعد از اتمام جلسه سخنرانی دانشجویان برگزار کننده تصمیم گرفتند با اصرار به مراجعت های مکرر "انجمن اسلامی" به منظور گرفتن اتاق و مکان مناسب مسئولین دانشکده برای استقرار "انجمن دانشجویان ضد امپریالیست و ضد ارتجاع" دست به تحصن زدند. طبق برنامه این تحصن از صبح روز ۵۸/۱۰/۱۰ برگزار شد و تا آنکه تصمیم گردیدند پس قطعنامه سه تحصن بدوین و هوزد تصویب جمع قرار گرفتند. پس از آن محکوم کردن افعال افراد غیر مسئول در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۰ طبق نقشه قبلی قصد

هم زدن سخنرانی را داشتند. در اختیار گذاردن اتاق برای فعالیت های سیاسی انجمن دانشجویان ضد امپریالیست و ضد ارتجاع - بیرون رفتن پاسداران از محوطه دانشکده - نصب تابلوی "دانشگاه لرستان" بر سر دروازه دانشکده دانشجویان هوادار سازمان مجاهدین خلق نیز این تحصن پشتیبانی نموده و به کلاسها تفرقت و وب امروز تحصن موقتاً پایان یافت تا از صبح روز بعد راه ادامه یابد.

این حرکت دانشجویان انعکاس خوبی در سطح برپا داد نمود. به همین جهت روز بعد از خوابگاه بیرون رفتن مسافران و نصب تابلو بر سر دروازه دانشگاه موافقت شد. اما همچنان به دیگر خواسته های حق دانشجویان بی اعتنا می شد. و هر وقت

شبهه در ۱۳

مرتجعین و وابستگان به هیئت حاکمه، از افشای نام ساواکیهای دانشکده دماوند جلوگیری می کنند!

راه آنها معرفی نماید. اما این ماجرا نیز توسط دانشجویان بیان محاکمه کننده در حضور جمع دانشجویان و از طریق بلندگو سر به افشاشد و در نتیجه ما "مورین بزرگمان" غیب میشوند!

در پایان جلسه "دانشکده" قطعنامه ای صادر میشود که در آن افشا و اخراج ساواکیها همراه با افشای اسناد آنها درخواست گردید.

در حین اجرای برنامه بعضی از دانشجویان وابسته به "انجمن اسلامی دانشجویان" سعی می کردند نظم جلسه را بهم بزنند که این اقدام آنها توسط توده های دانشجوی در حالیکه شعارهای "حمایت از ساواکی، حمایت از امریکا، سرک بر سران بزرگ، مرگ بر ارتجاع"، اسناد ساواکی، افشا باید گردد، اسامی ساواکی افشا باید گردد، رافریز می کردند، خشن گردید.

پس از پایان برنامه، با حمایت دانشجویان شورای هماهنگی جلسه "فوق العاده ای ترتیب را در دروسین" در دوشن از اعضای شورای به محاکمه کشید. ولی بعلافتند آشتین برنامه مشخص تنها نتیجه آن موفقیت در امر تحویل اسناد ساواکیها به شورای تصفیه بود تا در محل دانشکده نصب گردند.

دانشجوی ساواکی محاکمه شده، پس از مدتی در حبس در کارخانه دانشجویی بازداشت گردید. دانشجویان که "این دانشجوی اسبورت مسافرت دارد، تا روز شنبه او را نگهداری نمایند" به کمیته تحویل داده شد. در همین روز فرد دیگری از ساواکیهای دانشکده که تا آن زمان در لیست مزبور رانده است، در محل دفترش رئیس دانشکده متحصن شده بود، در مورد این شخصیت نمایندگانی انجمن اسلامی در شورای هماهنگی رای می دهند که وی به علت و خامت وضع مالی می بایست کمک هزینه دریافت دارد، در حالیکه از ساواکی بودن او نیز مطلع بودند! و جانب اینکه این فرد بخاطر دریافت کمک هزینه در دفتر رئیس متحصن شده بود که توسط مسئولین دانشکده قرار داده میشود!

ضمناً به اطلاع عموم می رسد که علاوه بر لیست ساواکیهای دانشکده دماوند که در حدود ۵۰ نفر قید شده اند، اسامی ۱۷ نفر از ساواکیهای دانشکده "مجموعه متحدین" نیز در اختیار مسئولین دانشکده است که توسط دوشن از اعضای محاکمه شده شورای امر فاش می شود. ولی تاکنون این لیست به شورای دانشکده متحدین تحویل داده نشده است.

علیرغم مخالفت شورای هماهنگی و شورای تصفیه (البته نه تمامی اعضای شورای دانشکده دماوند، در روز چهارشنبه ۵۸/۱۰/۲۰ یکی از مزبوران ساواکی این دانشکده بنام "مهرین اورنگ" توسط عده ای از دوشن قبلی وی که از گرفتن پاسپورت و مسافرت وی در آینده نزدیک اطلاع یافته وی را دستگیر کرده بودند، با شرکت و حمایت اکثریت دانشجویان "دانشکده انقلابی" کشیده شد! این کار در حالی صورت گرفت که بیش از ۲ ماه است که لیست نزدیک به پنجاه نفر از ساواکیهای دانشکده دماوند برای شورای تصفیه فرستاده شده است. ولی تاکنون نخست وزیر در مقابل درخواستهای مکرر شورای هماهنگی برای افشای رسمی لیست ساواکی ها و نیز خودداری مسئولین دانشکده از این امر، تاکنون هیچ اقدامی برای افشای نام ساواکیها صورت نگرفته بود.

و این عمل انقلابی دانشجویان، آنها را در مقابل عمل انجام شده قرار داد.

در جلسه محاکمه مهرین اورنگ در حضور اکثریت دانشجویان، تا بهر اندازه آفرامی کند که از سال ۱۳۵۵ با ساوات همکاری داشته و دارای "ک" ساوات میباشد. از طرف پسرعمو خود "خبر اورنگ" به ساوات معرفی شده و رابطه وی با ساوات، شخص بنام "احمد بیگ" (با نام مستعار "رضائی" که اکنون در زندان بسر می برد) بوده است. ضمناً عموی او که در گذشته معروف به "شهاب" و پدرش نیز رئیس و ساواکی بوده است. مهرین با نام مستعار "مهری" به سرای ساوات خدمت می کرده است. علاوه بر اینها معلوم شد که در گزارشتن نام چند تن از دانشجویان فعال را به ساوات داده است.

نکته جالب توجه اینجاست که در حین محاکمه وی یکی از دانشجویان سال اول بنام "ناهد ناصری" سعی می کند تا با افکار به مهرین برساند که این عمل توسط انتظارات دانشجویان کشف و معلوم شد که در اذیت مزبور کسبه ناهید سعی می کرد تا با مهرین و با بهر سازد (پیش می نوشته شده بود با این خدمت "لژیون" ندارد جوابی بدهی "!) بعد از بیعتات که از بیرون بودن "ناهد ناصری" گذشت ما "مورین کمیته" از گل "که گویا ناهید" آنها را خبر کرده بود) سر رسید و از رئیس دانشکده خواسته بودند که اسامی گردانندگان جلسه محاکمه

شته است. این دانشجویان اسیر از دانشکده های فنی، پزشکی، دارو سازی می باشند.

همبستگی دانشجویان انقلابی و نیز ضرورت پیوند هر چه بیشتر جنبش دانشجویی با جنبش رزمندگان، ایجاب می کند که دانشجویان مترقی و ضد امپریالیست نسبت به این عمل ضد خلقی عدالت رژیم بی تفاوت نشینند.

ما ضمن محکوم کردن شدید تهاجم پاسداران و با شان رژیم از شوراهای هماهنگی دانشکده های نامبرده می خواهیم که برای آزادی قوی دانشجویان

زندانی و نیز بخاطر اعتراض به یورش وحشیانه مزدوران مرتجع به رزمندگان و دانشجویان هر چه زود تر تصمیمات قاطع و انقلابی اتخاذ نمایند و مطمئن باشند که هر اقدام انقلابی آنها از حمایت کامل کمیته دانشجویان مترقی و نیروهای انقلابی برخوردار خواهد بود.

دانشجویان هوادار

"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کس-ارگر؟"

(تهران)

و شش نفر دیگر

نداری مجروح نمودند که حال چند نفر از آنها وخیم است. با وجود آنکه تعدادی از متنگرشدگان شدند اما از آنجا که هیئت حاکمه ضد خلقی از آگاهی ها و رزمندگان عیقا و حشمت دارد و این وحشت تهاجم مکرر فاشیستی در ده ماهه اخیر به کمیته های دموکراتیک حاصل از قیام توده ها نشان داده است، نمی تواند حرکت انقلابی دانشجویان جهت پیوند با توده های رزمندگان تحمل کند. لذا این هفت تن از دانشجویان دختر را که در میان گیرندگان بودند همچنان در امارت خود نگاه دارند.

از شورای دانشجویان موسسه علوم بانگی حمایت کنیم!

انقلابی با زحماتشان

بقية دروس ۲۴

واکون باز می‌گذشتن چندین باره تمام تزاریه‌های

این حرکات غمخوارانه و غیر اصولی شاید انجام داده باشد که دیگر از استعاره آن از طرف دیگر از انشعاب آن

هرچه گسترده تر یاد پیوند دانشجویان انقلابی بازحمتکشان

اخبار مبارزات دانشجویی

در تمام حدودی سیاسی حتی حقوقی واکه دانشجویان در
زمان شاه نیز داشتند، زیر پا گذاشته است!

خودشان را به جامعه پیشنهاد آتوق برای شاه اگر
جمع خواهند شد و انقلاب هم یعنی اینک مردم عدا
را انتخاب کنند. !!

حال باید از این کارزار هم خد خلقی و عامل
جمهوری اسلامی پرسید که ما چای برای انتخاب
مردم باقی گذاشته اند؟ آیا ما می‌توانیم در مقابل
نمودن خون دهها هزار شهید در مقابل ادعا
انقلاب ایستادیم؟ هزاران شهید ما را به انتخاب
راکت دست خود قرار دادید؟ هر حرکت جمعی حق
طلبانه را با آنکه "عدا انقلاب" سرکوب می‌کنند و...

شما چگونه دم از انتخاب مردم می‌زنید در حالی که
خودتان همگی از انقلاب چه مردم تحصیل شده اند!
بهر حال بالاخره پس از این تجربه ایستادگی دانشجویان
در عمل پس بردند که با نماینده بازی بدون برنامه
سازماندهی و قطعیت انقلابی کاری انبش نمی‌رود
(همانطور که با افعال دفتر رئیس بخوبی ثابت شد)
اینبار تصمیم گرفتند در دفتر رئیس دانشگاه
شوند و در تاریخ ۵۸/۹/۱۸ در دفترست نشستن

در مدت تحصن رئیس دانشگاه بالا جبار با مقامات
بالاترین برقراری ساعت و کلاس را بر جای حرفه
شد و نفی گاهی اساله با اصطلاح "ضوابط اخلاقی"
(۴) را بهش می‌کشید (یعنی تفتیش عقاید - کاری که
رژیم شاه در آن استوار بود) و گاهی برای فریب
دانشجویان قول های بی اساسی بدون ضمانت
می‌داد.

ضوابط اخلاقی! همان چیزی که رژیم بی شرمه
هنگام دستگیری و ضرب و جرح معلمان جازینده رها
به آن متوسل می‌شود. تفتیش عقاید به شیوه های
مختلف چه از طریق سؤال و جوابهای عجیب و غریب
در هنگام استخدام و چه به شیوه های مختلف اکنون از
طرف رژیم و بخصوص در هنگام استخدام معلم انجام
می‌دهد. این است مفهوم آزادی و انقلاب در نظر
امثال رجایی!

ما از صنفی باید در خدمت مبارزه سیاسی باشد
دانشجویان تحصن پس از ۴ روز بالاخره به این
نتیجه رسیدند که رجایی هم عامل اجرایی شورای انقلاب
یعنی رژیم حاکم پیش نیست و شورای انقلاب هم
صحنه جزئی نیست. معلمان آگاه و مبارزدار. لذا
تصمیم گرفته شد تا مبارزه خود را ارتقا داده و در رابطه
با مبارزات ضد امپریالیستی (به ویژه در شرایط حساس
کنونی) خواسته "محدود و صنفی" تمهید "رایه یک
خواست مشخص سیاسی یک حرکت انقلابی در محل -
"مبارزه با تفتیش عقاید" تکامل داده و در ارتباط با
چنین محتوایی شکل سازدانی و تشکلاتی -
به صورت یک کانون "دانشجویان ... مخالف
تفتیش عقاید" بوجود آورند.

گرفته شود، زیرا در فتره آزمون انتخابی که بوده است
و از دانشجویان سال اول تمهید نخواهند گرفت. این
گفته ها را با دلایل بوجی از قبیل (دانشجویی که
درخواست پول بکند صلاحیت معلم شدن ندارد!)
و... توجیه نمود.

بدنیال آن دانشجویان مجدداً نمایندگان جلد
(بیشتر از میان دانشجویان سال اول) انتخاب
نمودند تا از طرف تمامی دانشجویان ماجرا را دنبال
کنند. اما در تماس با رئیس دانشگاه (آقای شمار)،
وی نمایندگان منتخب را به رسمیت نشناخت. اما
وقتی مجدداً در حضور وی دانشجویان نمایندگان نشان
را تایید نمودند وی پس اعتنا به دانشجویان جلسه
را ترک نمود. دانشجویان که با این وضع روبرو شدند با
تصمیم انقلابی اقدام به اشغال دفتر رئیس دانشگاه
نمودند و در این ترتیب وی را مجبور به پذیرفتن نمایان
پندگانی واقعی خود کردند. اما با زهم هنگام تماس
با رجایی، نمایندگان تحصیلی برای ملاقات فرستاده
شدند.

در ملاقات روز ۵۸/۹/۱۴، رجایی تمهید
را عاوض خواند! و حتی قول پیشین خود را صنفی
بر تمهید گرفتن از دانشجویان سال دوم نیز زیر
گذاشت (چه خوب، با این حق با اینها...)
و شاید به اشتباه ستم این شیوه تمامی مزدوران و مقامات
سرپرده رژیم خد خلقی شاه بود. همانطور که
و ارشین ماشین دولتی پیشین اشون با و احوالت تمام
دور وزارت کار... این شیوه "تمامی رژیم سیاسی
خد خلقی را پس کم و کاست بکار برده و دنبال می‌کند)
و گفت "ما تمهید می‌گیریم و نه تمهید می‌دهیم."
اگر هر کاری زوری باشد، معلم شدن زوری نیست!

وقتی با اعتراض دانشجویان و دلایل منطقی آنها روبرو
شد که گفتند: ما با شرایط مندرج در دفترچه آزمون
ثبت نام کرده ایم. ما طلب ستم به گذرانیدن
۲۴ واحد تربیتی هستیم و اصلاً دانشگاه بنا بر وظیفه
اصلی که بر عهده دارد دانشگاه تربیت معلم نام گرفته
است و...

وی و قیانه پاسخ داد: می‌توانید اسم دانشگاه
را عوض کنید و مثلاً "بگزارید هیچ" (۱) یا دانشگاه
صنعتی شریف و همچنین ابلاغی هم برای رئیس
دانشگاه خواهم فرستادمی برای که گذرانند ۲۴
واحد تربیتی الزامی نیست. سپس در جواب سؤال
دانشجویان که پرسیدند: آیا آموزش و پرورش می‌تواند
دیگر احتیاجی به معلم ندارد؟ گفت "چرا خیلی هم
زیاد احتیاج دارد (۱) در حال حاضر ۵۰ هزار -
معلم هست که طبق شرایطی که برای معلم بودن لازم
است (۲!) باید ۴۰۰ هزار آنها را برون انداخت و
طبق ضوابطی که بعداً اعلام خواهد شد معلسم
استخدام نمود!"

در جواب به سؤال دیگر نمایندگان که گفتند: "اگر، مثلاً
در رشته "مبارزه راهنمایی با جغرافیا و تاریخ -
لیسانس آزاد بگیریم تا بهر آموزش و پرورش رشته ما به
چه دردی خواهد خورد؟" ابراز اعت "شما صلاحیت

شما که تربیت معلم که اصولاً "طقت وجودی و انگیزه
پس از آن" تربیت معلم "برای تدریس در دبیرستان -
با وجود این کشور تشکیل می‌دهد و همین جهت
تحتانی که برای تحصیل در این دانشگاه را و طلب
تحتانی را می‌باید تمهید برای خدمت آموزشی در
دبیرستان و مشغول تحصیل می‌شدند، پس از تمام
تحتانی رژیم بختیده بهلولی، وظیفه اصلی خویش را
تحتانی سیر و آزمون در آن خانه خالی کرده است!
تحتانی و طلب که در دفترچه آزمون سال ۵۶-۵۷ هم
تحتانی داشت که شما که وارد این دانشگاه می‌شدند
تحتانی نمایان تمهیدی کردند که با پایه یک، گروه ۴
انتخاب شده و چهار سال مدت تحصیلاً تقسیم آن
تحتانی که در جزئیات "خدمت آنها مستقیم
تحتانی و برای کارآموزی این گروه نیز استفاده می -
تحتانی یکی از ضوابط این دانشگاه گذرانیدن
تحتانی در تربیتی بود.

سال گذشته به طاعت شرایط انقلابی جامعه
تحتانی تعطیل بود بعد از تمام در "تحتانی ماه که
تحتانی گشوده شدند، دانشجویان خواهان
تحتانی این امر را جبهه نمودند اما به انتخاب جواب
تحتانی "این یک فرار از اینج ساله با آموزش و پرورش
تحتانی که مدت پنج سالش تمام شده و امسال
تحتانی در دفترچه نوشته شده است!!

دانشجویان سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر
تحتانی که در آن هیئت حاکمه جدید، تسلیم نشده
تحتانی به باره احقاق حقوق خود گرفتند که گزارش
تحتانی از برای تمامی آرم.

البته تصمیم گرفته شد دست به تحصن بزنند اما
تحتانی خرافات ده ای بنا بر آن شد. نمایندگان صنفی
انتخاب شوند برای تفتیش عقاید، له و مذاکره با مسئولین
اقدام نمایند. آقای شکوهی وزیر سابق فرهنگ
خواست دانشجویان خواستار تمهید در پذیرفته و قول داد
که از آنها تمهید خواهند گرفت. اما به طاعت فراموش کردن
اشاعات پان ترم و سپس تعطیلی تابستان این
امر منکوت ماند و در شهر پیرو ماه دانشگاه اعلام نمود
که کمائی که می‌خواهند تمهید بیاورند برای پسر
کردن فرم مراجعه نمایند. اما بعد از آگاهائی
دانشگاه در سال تحصیلی جاری معلوم شد
که اینها تمام نبرنگ و غریب و فقط برای سرگرم
نمودن دانشجویان بوده است.

بنابراین موقتاً ای از دانشجویان پیگیر در این
فصل، دانشجویان خواهان تمهید اجتماع
نمودند، تا تصمیم جمعی در این مورد اتخاذ کنند.
پس از تماس با رئیس دانشگاه پاسخ شنیدند که وی -
هیچ قدرتش در این مورد ندارد. او دانشجویان
خواستار ملاقات با رجایی (وزیر) کردند اما
برای ملاقات با وی مقامات دانشگاه چند نفر
را می‌توان نمایند (سخنگو) به دانشجویان تحصیل
کردند. نتیجه این ملاقات این شد که رجایی
پایان فقط از دانشجویان سال دوم (یعنی آنها
که در سال ۵۸-۵۷ پذیرفته شده اند) تمهید

اخبار مبارزات دانشجویی

خبریه از دانشکده علوم - دانشگاه تهران، درباره شیوه برخورد دانشجویان
پیشگام

آیا این برخورد یک نیروی انقلابی است؟

«افشاگریهای همه جانبه سیاسی شرط ضروری و اصلی پرورش روح فعالیت انقلابی بوده و باید میباشد»
«معرفت سیاسی و فعالیت انقلابی...»
توده ها را باید چیز نمی توان تربیت نمود، مگر به وسیله همین افشاگریها (لنین) - چه باید کرد؟

بود و در حدود ۲ ماه بود که این اوزالید بر دیوار کشود (چون این مسئله در حدود یکماه پیش اتفاق افتاده بود) این رفیق اعلامیه ای را که دو هفته کامل از مدت آن نگذشته بود قدیمی میدانست

در خاتمه آن دیگری را نه ! حال نمیدانیم منظور آنها از شیوه برخورد انجام این عمل بالاستفاده از تاریکی در دانشکده چه بود، اما از آنجایی که ما میخواستیم برخوردی اصولی با آنها داشته باشیم و در ضمن عیبی گونه امکان فرصت علمی و سواد استفاده به روی بویستند و فرصت نمایان ندیم، تصمیم گرفتیم که بعد از این خود را به فریادیم تا رفیقانه این مسئله را بین خود حل کنیم. اما جواب این رفتار چه بود ؟ آنها از همان موضع دستور محوری و نیت بدین الحرف حرکت کرده و مسئله کمیت را مطرح کردند. رفیقی که از جانب آنها صحبت میکرد بعد از مدتی گفتگو این عنوان کرد که ما ۱۰۰ نفریم و شما فقط ۱۰ نفر، در نتیجه ما احتیاج به جای بیشتری داریم. حالا ما از این رفتار میترسیم که برخورد نیروهای انقلابی برای جلوگیری از به انحرا کپییدن مسیر انقلاب چه باید ما داشت ؟ آیا وظیفه «نیرو» سیاسی انقلاب این نیست که در هر چه بیشتر باشد ؟ اگر این نیروها را ضد خلق وارد آنها میکنند ؟ و اینکه کار از این گذشته، سیه های افشاگران صورت می گیرد. رفتار آنها را این اوزالید لال نمیتواند حرکت خود را که مرثا نگذاریم و در روز بعد از این ستری از افلا به هان ما کنده و اعلامیه های نامه های آنها نصب میشود. توجه کنید.

اگر شما معتقد به افشا و غرور نیروهای ضد خلقی هستید پس نباید به مسئله کمیت اهمیت بدید. مگر اینکه معتقد باشید که اعلامیه های ما نمیتواند محتوای لازم را داشته باشد، که در این حالت نمیتوان با مبارزه این عنوان براحتی این مسئله را حل کرد. بنابراین این رفتار ناشی از خصلت انحصار طلبی آنها میباشد. در خاتمه آنها به اندازه ۱۰ نفر در این اعلامیه هان ما جاری اند باز هم برخوردی این چنینی می کنند. از آنجا که اینگونه برخورد را پیوسته انحراف میدانیم تصمیم گرفتیم که با برخورد با آنها برخورد کرده و انحصار طلبی آنان را توبه نشانی افشا کنیم.

دانشجویان هوادار
« سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر »
(علوم)

کرمانشاه:

حمله اوباشان و پاسداران به دانشکده پزشکی

روزیکنش ۵۸/۱۰/۲۲ عده از «فلا نژاد» (لشکر) و ولگرد هایی که اکنون به لباس دین داری درآمده اند که چند نفر با «پاسدار» نیز در میان آنها مشاهده می شد و مسلح به چاقو و اسلحه گری بودند به سمت دانشکده وارد دانشکده علوم شدند و چوچو بهانه ای برای زهره ریختن صافه کردن نشریات و ضرب و جرح دانشجویان پیدا نکردند حدود ساعت ۱۱ به دانشکده پزشکی و آنجای درمیان گاراژ حمله کردند و با پاره کردن نشریات و دستورها و کتک کاری، ضرب و جرح دانشجویان (پیشگام و هوادار سازمان پیکار ...) پرداختند. از جمله چهار نفر رفقای دانشجویی به لیست دانشکده بالا (محل دبیرخانه دانشکده) برده و با اسلحه گری آنها را تهدید به قتل کردند که با عکس العمل مسئول آموزش دانشکده رهرو شدند ولی آنها را گذاشتند اسلحه گری خود بر روی صحنه مسئول دانشکده اوار و از آنجا حکوت کردند. مهاجمین بعد از انجام این اعمال ضد انقلابی دانشکده پزشکی را ترک کردند. بعد از ظهر عده ای از آنها مجدداً به دانشکده علوم آمدند ولی با هویت جاری دانشجویان مبارز و انقلابی موفق به پیاده کردن برنامه خود نشدند. این اولین صحنه ضد انقلابی مرتجعین در این دانشکده بود بلکه در گذشته نیز بارها این صحنه اعلان صحنه در جلوی اوزالید فعالیت نیروهای انقلابی کرده و با وجود آوردن یک جو خفان از فعالیت سیاسی دانشجویان جلوگیری به عن می آورند و در روزیکشنبه ۵۸/۱۰/۲۲ آغاز پرتشديد آنها به محیط دانشکده و گروه سیاسی است.

این گزارش از کرمانشاه به وسیله دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی تهیه و کارگزارسال شده است.

کجاش ها بر روی آن ایستاده اند بدست پرتووار خلق تهران و تهران خواهند شد و خائنینی که امروز برای خلقهای تحت ستم ما جنگ و کشتار انقلابیون میهن مان جوخه های اعدام تدارک میکنند در راهگاه خلق مبارکه و جویا خواهند بود!

روزی بنیستهای خائن توده ای و تظاهرات ما؛ تنگی ای که می بایست در مورد تظاهرات در بارگاه بدان اشاره کنیم همراهی گروهی از دانشجویان هوادار حزب خائن توده با فلا نژادها بود. هنگامی که تظاهراتی در راههای شرقی (مجاهدین، پیشگام، مبارز، صفق، مشک خود را تشکیل داده بودند و فلا نژادها همسین در برهم زدن آن می نمودند شعار «توطئه آمریکاست» در ارتش اسلام محکوم است» را تار این افشاز می نمودند این روز بنیستهای خائن در مصنف آنها قرار گرفته و شعارهای آن را غرور می کردند و با اهمیت خود و حزب طراوتین شان را خیلی نشان میداد

بوزه و اعلام میداریم هرگونه مداخلات در افتا گری باعث کشیدن مبارزات ضد آمریکائی خلق ایران می باشد. همین قطعنامه با شعارهای زیر پایان می پذیرد.
« مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی »
« پیش بسوی شوراهای و اقشار دنیوی زبانی »
« برادران آزادی های د مکرانیست »

گروهی از دانشجویان وظیفه مرکز آموزش (۱) (پارک فتح آباد سابق)

(۵۸/۱۰/۲۹)
بعد از پایان قطعنامه دانشجویان محل را ترک گفتند و سرهنگ کجاش را در حالی که هنوز روی سکوی پیروزی خود ایستاده بود و علیه دانشجویان رجز خوانی می کرد تنها گذاشتند ولی بزودی هنگامی که سه چهره های کیف و سرسره « عناصری چون چهران و فلا حن ها و کجاش ها و صداهای دیگر برای توده ها شناخته شود چنان سکوهای پوشالین پیروزی که آرشو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تظاهرات دانشجویان و غیره مرکز ...

آزادی های د مکرانیست و غیره خواهند شد. در همین رابطه اعلامیه و پوستره های آگاهی دهنده و ضد امپریالیستی را پاره می نمایند. سپس دانشجویان ضمن محکوم نمودن این حرکات ارتجاعی از طرف فرماندهان خواست های خود را چنین عنوان کرده اند:

- ۱- مبارزه ضد امپریالیستی جد از مبارزه برای کسب آزادی های د مکرانیست نمی باشد و کسانی که با شیوه های فاشیستی آزادی ها را در صورت نابودی فراهم دهند عوامل مستقیم امپریالیسم آمریکا می باشند.
- ۲- ما خواستار تشکیل شوراهای واقعی و اقشار و ... درجه داران و افسران جزئی باشیم که از طریق اعمال قدرت فرماندهان مزدور را به زیرک رانندگی نمایند.
- ۳- ما خواهان افشا و غرور عناصر آمریکائی در ارتش

تظاهرات دانشجویان و وظیفه مرکز آموزشی :-
(پادگان فرح آباد سابق)

فقیه در علم ۱۲



ولایتی و...

مدیر...

نویسنده...

پس...

نه...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

یاد فرسوخ نسین، همواره در قلب تجریش و طبله کارگران، جاودانه است

ارزگان نویسنده‌های ایران در مقابل

روزیونیستهای خائن توده‌ای،

حمایت کنیم!

خلق قهرمان ایران! روشنفکران انقلابی!

روزیونیستهای خائن توده‌ای مانند هر روزیونیست دیگر هدفی جز خدمت به اربابان خویش، جلوگیری از انقلاب و هتیمت منی با ارتجاع ندارند. آنان تنها آزادی‌های دموکراتیک خلبانی دلاورمپن مانند خلبان کرد، ترکمن و... انقلابیون کمونیست، زحمتکشان و کارگران بیوس می‌برند. آنان در هر کجا که مبارزه طبقاتی جریان دارد، در هر کجا که قلب توده‌ها می‌تپد، در هر کجا که امکان مبارزه انقلابی وجود دارد حضور می‌یابند و می‌کوشند تا بسود اربابان خویش و بسود انقلاب در ارتجاع‌الاحلال می‌کنند. در کارخانه، مدرسه، دانشگاه و حتی عرواحد صنفی حضور می‌یابند تا ارگانهای مترقی را به ارگانهای ارتجاعی بدل سازند و تئوراً از ماهیت انقلابیان تهی کنند. آنان از کارگران و زحمتکشان میخواهند تا به نال مجرور از عرواحد تئوریک و مرد رانستان امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم بمانند. از خلعها میخواهند تا در مثال فرق درخون جلادان - خویش را ببوسند. از دانش‌آموزان و دانشجویان می‌خواهند تا بهرهای باطنی برای خودشان بمانند. و همینطور روشنفکران انقلابی و نویسندگان و شاعران متعهد به خلق دعوت می‌کنند تا به مسجد صاحب قذراتان برخیزند چه توده‌ها پشت کنند.

خائنین توده‌ای که در این چند سال می‌کوشند قانون نویسندگان را به مرکز برای لیبرالهای مفلوک و دفاع از قانون اساسی بدل کنند و از اینکه در چهارچوب قانون اساسی شاهنشاهی مبارزه میکنند برخود می‌بالند و شبهای شمرکد ایشان در ۱۳۵۶ (بجز استثناهایی مانند حرکت انقلابی رفیق سعید سلطانی) در هنگامیکه جنبش توده‌ای می‌گرفت بکدائی آزادی در چهارچوب حقوق بشر از شاه مشغول بودند. پس آزادی - بمباری از نویسندگان انقلابی از زندانها، کانون نویسندگان از تئور روزیونیستهای که با سازی به رژیم شاهنشاهی در زمانی که هرچند توده‌ای و دافع آزادی و آزادی مطابعه آثار رسد به زندان افتاده پس سازشکارها در محافل روشنفکری خویش سلاخی شده‌ها تا آخر عمر می‌نوشند! خارج گردید لیبرال روزیونیستها نتوانستند مانند پیشین از این کانون بخانه ارگانی برای کشاندن توده‌ها به مسلح امپریالیسم و عدالتی بود چونند مادر اینجا تعدند ازیم وضعیت کانون نویسندگان و نکات مثبت و منفی و اشتباهات آنان را متذکر شویم بلکه وظیفه خود میدانیم در مقابل توطئه روزیونیستهای خائن که با استفاده از ارگانهای تبلیغاتی خویش عدالتشان در ملیوعات کثیرالانتشار با جنگ تبلیغاتی بر طبقه کانون نویسندگان راه انداخته اند، از کانون نویسندگان میتوان اردیگاه دموکراتیکیم بگیر انتقادات زیادی بر کانون نویسندگان وارد کرد. اما جنگ تبلیغاتی خائنین توده‌ای از دیدگاه مجرور و نوکران امپریالیسم است چرا که می‌کوشند گرایش دموکراتیک را در کانون نویسندگان در هم

کعبه اثر تبدیل به مکتب "عنصریها" نمایند. باید اخراج مزدوران توده‌ای از کانون نویسندگان از همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست میخواهیم در مقابل توطئه روزیونیستها از کانون نویسندگان حمایت کنند. گرچه این حق را برای خود و دیگران محفوظ نگه داریم که از گرایشات لیبرالی در درون کانون نویسندگان اردیگاه دموکراتیکیم بر طوری حرکت کرده لازم بدانیم و انتظار نداریم. برای نشان دادن هوچگری روزیونیستهای توده‌ای که در روزنامه مردم در خصوص کانون نویسندگان نوشتند: "در حالیکه مقدم مراغه‌ای ها در کانون جنبش کرده اند شطرنج نویسندگان مبارز مملکت (منظر آقایان به آیین، تنگانی، کسری، پرونده، خایه) دسیسه چینی می‌کنند." سند ضمیمه رحمت الله مقدم مراغه‌ای جاسوس سیار که با ضمیمه روزیونیستهای توده به عضویت کانون نویسندگان درآمد بخون ساز از همکارهای حزب توده و فعالان مبارز را به نامت می‌کیم. (اصل سند از روزنامه "ایران ارگان کانون نویسندگان ایران گرفته شده است.)

محصل، دانشجو، پیوند باز حشکشی پیوند باز حشکشی